ترتیل قرآن
با
تجوید آسان

گردآورنده : عبدالمجید حنفی

زیر نظر
حوزه علمیه اهل سنت زاهدان

ویژه اهل سنت

بسم الله الرحمن الرحیم

ترتیل قرآن
با
«(تجوید آسان)»

گردآورنده

عبدالمجید حنفی

مدرس کتب قرآن مولانا عبدالعزیز

وابسته به حوزه علمیه اهل سنت زاهدان

زیرنظر حوزه علمیه اهل سنت زاهدان

BP 74/5 ح9ت4 /

حنفی، عبدالمجید، ۱۳۴۳-
ترتیل قرآن با (تجوید آسان)/ گردآورنده عبدالمجید حنفی؛ زیرنظر حوزه علمیه اهل سنت زاهدان. - تربت جام: احمد جام، ۱۳۸۴.
۷۹ص.: مصور، جدول

ISBN: 964-91073-3-9

کتابنامه: ص.۷۹
چاپ سوم.
۱. قرآن - قرائت. ۲. قرآن - تجوید. الف. حوزه علمیه اهل سنت زاهدان. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵۱



ترتیل قرآن با تجوید آسان

نویسنده : عبدالمجید حنفی

ناشر : شیخ الاسلام احمد جام

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : دهم - ۱۳۹۲

چاپخانه : دقت (وحید) ۳۱۲۵۰۵۲

قیمت ۲۵۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۰۷۳-۳-۲

تلفن: ۲۲۲۴۴۷۱ - ۲۲۲۵۲۳۸ - ۰۵۲۸

تقریظ مولانا عبدالحمید اسماعیل‌زهی

مدیر حوزه علمیه اهل سنت زاهدان

بسمه تعالیٰ

جزوه تجوید که توسط برادر عزیز آقای مولوی عبدالمجید حنفی تهیه و تألیف گردیده است در فن تجوید انشاءالله مفید خواهد بود بالخصوص برای کسانی‌که قرآن عظیم‌شان را تازه می‌خواهند یاد بگیرند. امید است الله سبحان و تعالی به بارگاه خودش قبول فرماید.

«آمین»

عبدالحمید اسماعیل زهی

۷۵/۱۰/۲۴

تقریظ قاری محمد سلیم شه‌بخش

اَلْحَمْدُلِلّه برادر مولوی عبدالمجید حنفی زحمات فراوان برای کتاب تجوید آسان متحمل شده است کتاب مذکور را کاملاً مطالعه نمودم ،دریافتم که فواید فراوان در مورد تجوید دارد.که برای عموم مردم قابل فهم و استفاده است امیدوارم که هرچه بیشتر مورد استفاده قرار گیرد و صحیح خواندن قرآن مجید مطابق تجوید که وظیفه هر مسلمان است در عموم مردم رواج یابد.

محتاج دعای شما.

محمّد سلیم شه‌بخش دلدار

تقریظ قاری محمّد اسماعیل قنبرزهی

برادرم جناب آقای مولانا عبدالمجید حنفی زحمات زیادی برای تدوین رساله تجوید آسان متحمل شده است .این رساله حاوی نکات باارزشی در رابطه با تجوید قرآن است و فواید زیادی دارد بنده رساله نُوْرُالذِّکْر را مطالعه نمودم و دریافتم برادرم مولانا حنفی کتاب خود را بصورت آسان که برای عموم قابل فهم است گردآوری نموده‌است و همه افراد جامعه می‌توانند آن را به خوبی درک نمایند خداوند عَزَّ وَ جَل این عمل را به درگاهش بپذیرد و اجروی را در میزان حسناتش قرار دهد.

(آمین)

التماس دعا **محمد اسماعیل قنبرزهی**

تقریظ استادالقراء قاری عبدالرحمن براهوئی

بسمه تعالی

نَحْمَدُه وَ نُصَلِّیْ عَلیٰ رَسُوْلِهِ الْکَرِیْم اَمّا بعد جناب آقای عبدالمجید حنفی وقت زیادی برای نوشتن کتاب تجوید آسان صرف کرده و زحمت زیادی متحمل شده‌اند.

کتاب مذکور در توضیح مسائل تجوید به نحو آسان و دلپذیر است بنده کتاب فَوْقَ الذِّکْر را کاملاً مطالعه نمودم، دیدم که فواید زیاد و باارزشی دارد از اینکه خدمتی در جهت کلام الله مجید انجام گرفته است مسرور شدم و از رَبُّ الْمَنَّانِ اِلْتِجا می‌نمایم که مؤلف این کتاب را مورد لطف قرار دهد.

آمین ثمّ آمین

خادِمُ القُرآن عبدالرحمن

فهرست مطالب تجوید آسان

عنوان	صفحه

پیشگفتار

اَلحَمدُ لِلّٰهِ نَحمَدُه ، وَنَستَعِينُه وَ نَستَغفِرُه ، وَنُؤمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَ نَعُوذُ بِااللّٰهِ مِنْ شُرُوْرِ اَنفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ اعْمَالِنَا مَن يَّهدِهِ اللّٰهُ فَلاَ مُضِلَّ لَه وَ مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلاَ هَادِيَ لَه وَ اَشْهَدُ اَنْ لاَّ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّد اًعَبدُه وَ رَسُولُه.

عَنْ عُثْمَانَ بنِ عَفَّانَ (رض) قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ (ص): خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرآنَ وَ عَلَّمَه .الحديث

(صحیح بخاری)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید بهترین شما کسی است که قرآن مجید را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.

از سال ۱۳۶۸ که توفیق تعلیم دادن قرآن مجید را در مکتب قرآن مرادقلی وابسته به حوزه علمیه اهل سنت زاهدان داشتم با استقبال فراوان علاقمندان به قرائت قرآن روبرو شدم.

اگر چه علمای فَنّ علم تجوید کتابهای زیادی در زمینه تجوید به رشته تحریر در آورده‌اند اما از آنجایی که شیوه طرح مباحث آنها برای دانش آموزان مخصوصاً دانش آموزان ابتدایی مشکل و خوب قابل فهم نبود بنابه در خواست بسیاری از دوستان پس از اینکه به کتابهای

درسی تجوید مانند جمال القرآن و فوائِد مَکِیَّه و کتابهای درسی دیگری که تألیف شده نظر افکندم و با تجربه‌هایی که از اساتید بزرگوار مثل قاری محمد عیسی گرگیج ،استاد القراء قاری عبدالرحمن براهویی ، قاری محمد سلیم شه بخش و قاری محمد اسماعیل قنبرزهی بدست آورده بودم تصمیم گرفتم خلاصه‌ای از آنها را درکتابی با اسلوب مناسب و قابل فهم برای دانش‌آموزان و با روش بسیار ساده و آسان جمع آوری کنم تا علاقمندان به قرائت قرآن در مدت کوتاه بتوانند قرآن مجید را با تجوید و به روش آسان فرا گیرند.

من گفته‌های اساتید بزرگوار را در کلاسهای درس مورد تجربه عملی قرار دادم و توانستم نتایجی بدست آورم که فهمیدن قواعد تجوید را برای دانش آموزان آسان می‌سازد از این جهت این کتاب را به (تجوید آسان) نامگذاری کردم.

پس از تکمیل، کتاب حاضر را به خدمت اساتید بزرگوار استاد القراء قاری عبدالرحمن براهویی، قاری محمد سلیم شه بخش و قاری محمداسماعیل قنبرزهی تقدیم کردم تا اگر نواقص و اشکالاتی باشد برطرف گردد.که پس از تجدید نظر و بررسی مورد تأیید این اساتید بزرگوار قرار گرفت.

در این عصر پیشرفته که برای دانش آموزان ابتدایی بهترین روش تدریس ، روش پرسش و تمرین و تقسیم‌بندی درس است و تجربه عملی هم این روش را تأیید نموده است برآن شدم تا این کتاب را به همان روش در آورم.

در صورتیکه اساتید بزرگوار تدریس خویش ر خوب انجام دهند و دانش آموزان عزیز

مسئولیت خطیر آموختن خویش را انجام دهند پس از خواندن این کتاب قرائت قرآن مجید را در مدت کوتاه و به روش آسان و با تجوید یاد خواهند گرفت.

از تمام اساتید بزرگوار قاری عبدالرحمن، قاری محمد سلیم، قاری محمد اسماعیل، و مولانا محمد قاسم که در تدوین این کتاب بنده را راهنمایی کردند و اشکالات و نواقص را اصلاح کردند و زحمات زیادی را متحمل شدند صمیمانه تشکر می‌کنم و از خداوند متعال آرزوی موفقیت و طول عمر پربرکت برای این عزیزان دارم.

به امید اینکه خداوند متعال این عمل ناچیز را قبول فرماید و این کتاب مورد استفاده قرار گیرد و به موازات استفاده از آن در تعلیم و آموزش مسلمین کوشش شود.

آنچه در این کتاب می‌خوانید:

۱- راهنمای تدریس معلم که شامل پنج مرحله است .

۲- آشنایی با علم تجوید.

تعریف : تجوید

موضوع : تجوید

هدف از: تجوید

فایده : تجوید

۳- دروس این کتاب شامل چهارده درس است که :

موارد هردرس بصورت واضح و روشن توضیح داده‌شده‌است و جایی که‌برای دانش‌آموز خوب قابل فهم نباشد به عنوان (تذکر) نوشته شده است تا از آن علامت مطلب را بهتر یاد بگیرد.

درپایان هر درس پرسشهاوتمرین هر درس نوشته شده‌است تا روش یادگرفتن آسانترشود.

مباحث کتاب به سه قسمت تقسیم‌بندی شده است:

قسمت اول : بیان حروف عربی و مَخارج حروف

قسمت دوم : بیان صفات حروف (صفات متضاده و صفات غیر متضاده)

قسمت سوم : بیان صفات مُحَسِّنَة و شامل پنجاه قواعد تجوید است .

تذکر :

قسمت اول : (بیان مخارج حروف) برای دانش آموزان سوم و چهارم ابتدایی تنظیم شده است پس از پایان ،قسمت دوم تدریس شود و بعد سوم .

قسمت دوم : (بیان صفات حروف) برای دانش آموزان پنجم ابتدایی .

قسمت سوم : (بیان صفات مُحَسِّنَة) برای دانش آموزان راهنمایی .

راهنمای تدریس معلم گرامی :

در اینجا بهتر است به مراحلی اشاره کنم که هر دانش‌آموز باید آنها را پشت سربگذارد تا امر یادگیری بهتر صورت گیرد.

مرحله اول :

در این مرحله به تمرین دانش آموز توجه شود و نیز تذکر به سه نکته لازم است.

نکته اول :

معلمان عزیز توجه داشته باشند که، در اثنای تدریس - گوش دادن دانش آموز به تلفظ صحیح معلم ضروری است به این صورت که معلم خود بخواند و دانش‌آموز از روی قرآن یا تابلو، خواندن معلم را پیگیری نماید.

نکته دوم :

همچنان توجه کردن به نُطق و خواندن صحیح دانش‌آموز ضروری است، به این صورت که هر یک از دانش آموزان آنچه را معلم می‌گوید جداگانه بخوانند و معلم خوب گوش دهد و اشتباه دانش آموزان را به آنها تذکر دهد.

نکته سوم :

معلمان عزیز باید توجه داشته باشند اگر چه هر درس این کتاب برای یک جلسه تنظیم شده است اما متناسب با استعداد دانش آموزان تدریس شود.واگر لازم باشد هر درس را در دو یا چهار جلسه تدریس نمایند.و نیز سعی شود که دانش آموزان هر درس را خوب بفهمند نه اینکه فقط حفظ کنند.

مرحله دوم :

از نکات بسیار مهم، تلفظ کردن هر حرف از مخرج مخصوص خود بطور صحیح ، رعایت کردن صفات ذاتی آن حروف، مشخص کردن حروفی که علامت مد (ـ) دارند و دقت کردن در حرکات حروف است.

مرحله سوم :

در این مرحله اگر دانش آموز درس اول را خوب یاد گرفت و حروف را به خوبی توانست تلفظ کند، معلم به دادن تمرین از سوره‌های جزء سی اقدام کند و سعی کند که دانش آموز هر سوره را خوب یاد بگیرد همانطور که در مرحله اول یاد آوری شد معلم همان سه نکته را رعایت کند.

مرحله چهارم :

از نکات مهم در امر یادگیری دانش‌آموز، تمرین و تکالیف است.در این مرحله که دانش‌آموز تلفظ حروف و مخارج را خوانده معلم چند آیه یا سوره را به صورت عملی برای دانش‌آموز

مشخص کند واز او بخواهد که مخارج حروف آنها را مُعَیَّنْ کند و به طریق صحیح، آنها را تلفظ کند و همچنان معلم از دانش‌آموز بخواهد که مخارج حروف کلمات یک سوره را مشخص کند و در دفتر بنویسد.

مرحله پنجم :

در این مرحله دانش‌آموز درس مخارج و صفات حروف را بپایان رسانیده و مرحله تکمیلی که قواعد هستند آنها را پشت سرمی‌گذارد.معلم مانند مرحله چهارم به همان روش، تمرین و تکالیف را برای دانش آموز تعیین کند.

ناگفته نماند که علم تجوید از علومی است که بر سِمَاع و نقل تکیه دارد یعنی معلم درس را بیان کند، دانش‌آموز بشنود و بعد از آن تکرار کند.

نکته مهم :

آنچه لازم به ذکر است اینکه فهم این کتاب برای دانش آموزان بدون معلم مشکل است،لذا در هنگام استفاده از این کتاب، معلم حتماً حضور داشته باشد و گرنه تلاش و کوشش دانش‌آموز به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

توضیح کتاب

کتاب حاضر توضیحی فشرده و مختصر از علم تجوید است که جهت آشنایی مربیان گرامی در رابطه با تدریس قرآن مجید نوشته شده است و نهایت کوشش و تلاش در برطرف کردن نواقص و توضیح نکات مشکل بکار گرفته شده و سعی شده بهترین و آسانترین تعریف و تقسیم‌بندی انتخاب شود.

خصوصیت: این کتاب در این است که مباحث آن به روش آسان و به صورت خلاصه و قابل فهم برای دانش آموزان از سوم ابتدایی به بالا می‌باشد.

اگر دانش آموزان عزیز مطالب این کتاب را خوب بفهمند و یاد بگیرند خواندن کتابهای تجوید مانند جمال القرآن و فوائِد مَکِّیَّهْ که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شوند برای آنها بسیار آسان می‌شود و با تجوید آشنایی خوبی پیدا می‌کنند.

مقدمه کتاب

آشنایی با تجوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَقُرْاناً فَرَقْنٰهُ لِتَقْرَأَهُ، عَلَىٰ النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَ نَزَّلْنٰهُ تَنْزِيلاً.

خداوند متعال می‌فرماید: و قرآنی که آیات آن را جدا جدا فرو فرستادیم تاتو آن را بر مردم به تأنّی بخوانی و آن را باری پس از بار دیگر فرو فرستادیم .

(سوره اسراء آیه ۱۰۶)

برای یادگرفتن هر علمی چهار چیز لازم‌است. تعریف - موضوع - هدف - و فایده آن‌علم.

تعریف تجوید:

خواندن قرآن مجید، با رعایت قوانین مخارج حروف و صفات آن ،را تجوید می‌گویند.

موضوع تجوید:

حروف تَهَجّی × از حرف "الف" تا حرف "ی " است.علم تجوید را برای این وضع کرده‌اند که حروف عربی را به خوبی بشناسیم و هریک را به صورت صحیح تلفظ کنیم .

تهجی :

جدا جدا خواندن حروف را تَهَجّی می‌گویند.

هدف تجوید:

هدف تجوید، صحیح خواندن حروف قرآن مجید است مثلاً حروف ث ، ص ، س ، در زبان

فارسی به یک صورت خوانده می‌شوند اما در زبان عربی هریک به روش خاصی تلفظ می‌شوند.

فایده تجوید:

فایده علم تجوید، رضای خداوند متعال است .

چنانچه در حدیث آمده است :عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ لِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ(ص) اِقْرَءُ وَالْقُرْآنَ بِلُحُوْنِ الْعَرَبْ (کنزالعمال جلد ۱)

حضرت حذیفه بن‌الیمان رض می‌فرماید :گفت برای من رسول الله (ص) قرآن مجید را با لهجه عرب بخوان.

اهمیّت تجوید

از دلائل اربعه ۱- قرآن ۲- حدیث ۳- اجماع ۴- قیاس ،ثابت می‌شود که خواندن قرآن مجید با تجوید بر هر فرد مسلمان لازم است.

دلیل اول از قرآن مجید:

درسورهمُزَّمِّلْ خداوند متعال می‌فرمایدوَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلا(مُزَّمِّلْ آیه ۴) یعنی قرآن مجید را با ترتیل بخوانید.حضرت علی (رض) معنی ترتیل را به این صورت بیان کرده است.اَلتَّرْتِيْلُ هُوَ تَجْوِيْدُ الْحُرُوْفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوْفِ

تَرْتِيْل

ترتیل به معنی صحیح تلفظ کردن حروف و شناختن محل وقفها است که درچه جایی وقف

کنیم و درچه جایی نباید وقف کنیم.

دلیل دوم از حدیث :

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: اَلْمَا هِرُفِیْ‌الْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ اْلکِرَامِ اْلبَرَرَةِ (صحیح بخاری و صحیح مسلم) کسی که ماهر در قرآن باشد یعنی قرآن را با تجوید بخواند با همراه فرشتگان (نویسنده و بزرگوار و نیکوکار درگاه خدا) است.

دلیل سوم از اجماع:

تمام امت رسول اکرم (ص) از جمله اصحاب آن حضرت براین مسئله اتفاق نظر دارند که خواندن قرآن مجید با تجوید برای هر فرد مسلمان لازم است .

نظر امام جزری در مورد تجوید :

امام جزری که یکی از علمای فن علم تجوید است درباره اهمیت علم تجوید می‌فرماید

وَاْلاَخْذُ بِا التَّجْوِیْدِ حَتْمٌ لاَزِمٌ ،یادگرفتن علم تجوید حتمی و لازمی است .

مَنْ لَّمْ یُجَوِّدِ الْقُرْآنَ آثِمٌ ،کسی که قرآن مجید را با تجوید نخواند گنهکار است.

لِاَنَّه الاِلٰهَ بِهٖ اَنْزَلا، برای اینکه خداوند قرآن مجید را با تجوید نازل کرده است.

وَهٰکَذَامِنْهُ اِلَیْنَا وَصَلا و همچنان قرآن مجید به صورت تجوید از جانب خدا به ما رسیده است.

دلیل چهارم از قیاس :

اگر قرآن مجید مطابق با قواعد تجوید خوانده نشود یک حرف به حرف دیگری تبدیل

می‌شود مثلاً قُلْ به معنی بگو است، که حرف (ق) پُر خوانده می‌شود. اما اگر کسی آن را باریک بخواند به کلمه دیگری تبدیل می‌شود و (کُلْ)خوانده میشود به معنی بخور،و اگر با (غ) غُلْ بخواند به معنی زنجیر است، پس قیاس نیز تقاضا می‌کند که قرآن مجید باید با تجوید خوانده شود.

درس اول حروف عربی (قسمت اول)

حروف زبان عربی ۲۹ تا هستند تلفظ ۱۰ حرف از ۲۹ حرف عربی با تلفظ آنها در زبان فارسی متفاوت است که آن حروف عبارتند از ث ، ح ، ذ ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، ق ، و

طریقه نوشتن و طریقه تلفظ حروف عربی به شرح ذیل آمده است :

طریقه نوشتن	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ
طریقه تلفظ	الف	با	تا	ثا	جِیْمْ	حا	خا	دآل	ذآل
طریقه نوشتن	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع
طریقه تلفظ	را	زا	سِیْنْ	شِیْنْ	صآدْ	ضآدْ	طا	ظا	عَیْنْ
طریقه نوشتن	غ	ف	ق	ك	ل	م	ن	و	ه
طریقه تلفظ	غَیْنْ	فا	قآفْ	کآفْ	لآمْ	مِیْمْ	نُوْنْ	وآوْ	ها
طریقه نوشتن	ء	ی							
طریقه تلفظ	همزه	یا							

تمرینهای حروف دهگانه که تلفظ آنها با تلفظ زبان فارسی متفاوت هستند

۱- تمرین حرف ث :

شَرِّ النَّفّٰثٰتِ ،کَوْثَرَ،تَکَاثُرُ، ثُمَّ ، اَلْمَبْثُوث ، ثَقُلَتْ ، فَاَثَرْنَ،تُحَدِّثُ ، مِثْقَالَ ، بُعْثِرَ،اَثْقَالَهَا،فَحَدِّثْ ، اُنْثٰی ، ثَمُوْدُ ، مِثْلُهَا ، فَاَکْثَرُوا، تُرَاثَ ، یُوْثِقُ ، ثَاقِه ، حَدِیْثُ ، مَبْثُوْثَه .

۲- تمرین حرف ح :

اَلرَّحْمٰن ، اَلرَّحِیْم ، اَلْحَمْدُ ، حَاسِدٍ ، حَسَد ، اَحَد ، حَمَّالَةَالْحَطَبِ ، حَبْلٌ ،وَالْفَتْحُ ، فَسَبِّحْ ، بِحَمْدِ ، وَانْحَرْ یَحُضُّ ، رِحْلَةَالشِّتَآءِ ، اَصْحٰب ، بِحِجَارَةٍ ، یَحْسَبُ ، فِی الْحُطَمَه ، صٰلِحٰتِ ، حَتّٰی

۳- تمرین حرف ذ :

اَعُوْذُ ، اَلَّذِیْ ، اِذَا ، ذَاتَ ، یُکَذِّبُ ، فَذٰلِک ، اَلَّذِیْنَ ، هٰذا ، یَوْمَئِذٍ ، ذَرَّةٍ، ذٰلِکَ ، بِاِذْنِ ،کَذَّبَ ،کَاذِبَةٍ ذِکْرَکَ ، خَلَقَ الذَّکَرَ ، فَاَنْذَرْتُکُمْ ، بِذَنْبِهِمْ ، ذَامَتْرَبَةٍ ،

۴- تمرین حرف ص :

صِرَاطَ ، صُدُوْرِ ، اَلصَّمَد ، سَیَصْلٰی ، نَصْرُاللّٰهِ ، فَصَلِّ ، لِلْمُصَلِّیْنَ ، اَصْحٰب ،کَعَصْفٍ ، وَالْعَصْرِ ، عَمِلُوالصّٰلِحٰتِ ، تَوَاصَوْا، بِالصَّبْرِ ، صُبْحاً ، حُصِّلَ ، یَصْدُرُ ، صُحُفاً ، مُخْلِصِیْنَ ، یُقِیْمُوالصَّلوٰةَ،

۵- تمرین حرف ض :

مَغْضُوبِ ، وَلَاالضَّآلِّیْنَ ، یَحُضُّ ، تَضْلِیْل ، رَاضِیَةٍ ، ضَبْحاً ، اَرْض ، رَضِیَ اللّٰهُ ، رَضُوا ، وَضَعْنَا ، اَنْقَضَ ، وَ الضُّحٰی ، تَرْضٰی ، ضَآلاً ، ضُحٰهَا ، تَحٰضُّوْنَ ، مَرْضِیَّةً ، ضَرِیْعٍ ،

۶- تمرین حرف ط :

مِنَ الشَّیْطٰنِ ، صِرَاطَ ، حَطَبَ ، اَعْطَیْنٰکَ ، طَعَامِ ، اَطْعَمَهُمْ ، طَیْراً ، فِی الْحُطَمَةِ ، تَطَّلِعُ ، فَوَسَطْنَ

مُطَهَّرَةً ، مَطْلَعِ الْفَجْرِ ، لَيَطْغىٰ ، خَاطِئَةٍ ، تُطِعْهُ ، طُوْرِ ، يُعْطِيْكَ ، اَعْطىٰ

۷- تمرین حرف ظ :

ظَهْرَكَ ، تَلَظّىٰ ، يَنْظُرُوْنَ ، حَافِظٌ ، فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ ، مَحْفُوْظٍ ، ظَهْرِهٖ ، ظَنَّ ، عَظِيْمٍ ، حٰفِظِيْنَ ، عِظَاماً ، يَنْظُرُ ، ظُلُمٰتٌ ، اَظْلَمَ ، مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ، يَظُنُّوْنَ ، ظٰلِمُوْنَ ، ظَلَمُوْنَا ،

۸- تمرین حرف ع :

اَعُوْذُ ، رَبِّ ، الْعٰلَمِيْنَ ، نَعْبُدُ ، نَسْتَعِيْنُ ، اَنْعَمْتَ ، عَلَيْهِمْ ، فِى الْعُقَدِ ، عَنْهُ ، اَعْبُدُ ، تَعْبُدُوْنَ ، عٰبِدُوْنَ ، عَابِدٌ ، عَبَدْتُّمْ ، اَعْطَيْنٰكَ ، يَدُعُّ الْيَتِيْمَ ، عَلىٰ ، طَعَامِ ، عَنْ صَلاَتِهِمْ .

۹- تمرین حرف ق :

قُلْ ، بِرَبِّ الْفَلَقِ ، خَلَقَ ، غَاسِقٍ ، وَقَبَ ، فِى الْعُقَدِ ، قُرَيْشٍ ، مُوْقَدَةٌ ، بِالْحَقِّ ، اَلْمَقَابِرَ ، عِلْمَ الْيَقِيْنِ عَيْنَ الْيَقِيْنِ ، اَلْقَارِعَةُ ، ثَقُلَتْ ، قَدْحاً ، نَقْعاً ، فِي الْقُبُوْرِ ، اَثْقَالَهَا ، قَالَ ، مِثْقَالَ ، قَيِّمَه ، وَمَاتَفَرَّقَ ،

۱۰- تمرین حرف و :

مَغْضُوْبِ ، اَعُوْذُ ، شَرِّ الْوَسْوَاسِ ، يُوَسْوِسُ ، صُدُوْرِ ، وَقَبَ ، هُوَاللّٰهُ ، يُوْلَدْ ، وَلَمْ ، وَتَبَّ ، وَمَا ، وَامْرَاَتُه ، وَالْفَتْحُ ، وَرَاَيْتَ النَّاسَ ، اَفْوَاجاً ، وَاسْتَغْفِرْهُ ، تَوَّاباً ،

پرسشهای درس اول :

۱- حروف زبان عربی را نام ببرید؟

۲- حروفی راکه تلفظ فارسی و عربی آنها با هم متفاوت است نام برده و برای هریک سه مثال بیاورید؟

۳- طریقه نوشتن حروف عربی را بنویسید؟

۴- طریقه خواندن حروف عربی را بنویسید؟

۵- حروفی راکه بصورت کشیده (مدّ)خوانده می‌شوند نام ببرید؟

۶- حروفی راکه بصورت کشیده خوانده نمی‌شوند نام ببرید؟

۷- طریقه خواندن حروف مُقَطِّعَه زیر را بنویسید؟

الٓمٓ ، الٓر، كٓهٰيٰعٓصٓ ، طٰهٰ، طٰسٓ ، يٰسٓ

درس دوم مخارج حروف :

تعریف مخرج :

تلفظ کردن هر حرف را از محل آن، مخرج آن حرف می‌گویند.

مخارج

مخارج حروف چهارده تا هستند یعنی تمام حروف از چهارده محل تلفظ می‌شوند.

مخرج اول

از انتهای حلق و سرسینه دو حرف تلفظ می‌شود. ۱- همزه ۲- ها

طریقه	تلفظ همزه	ءَ	ء	ء	أَءْ	إِءْ	أُءْ
طریقه	تلفظ ها	هَا	هِیْ	هُوْ	اَهْ	اِهْ	اُهْ

مخرج دوم

از وسط حلق دو حرف تلفظ می‌شود. ۱- حا ، عَیْنْ

طریقه	تلفظ حا	حَا	حِیْ	حُوْ	اَحْ	اِحْ	اُحْ
طریقه	تلفظ عین	عَا	عِیْ	عُوْ	اَعْ	اِعْ	اُعْ

مخرج سوم

از ابتدای حلق دو حرف تلفظ می‌شود. ۱- غَیْنْ ، ۲- خا

طریقه	تلفظ غین	غَا	غِیْ	غُوْ	اَغْ	اِغْ	اُغْ
طریقه	تلفظ خا	خَا	خِیْ	خُوْ	اَخْ	اِخْ	اُخْ

تذکر :

حروف حلقی شش تاهستند. ۱- همزه ۲- ها ۳- حا ۴- عین ۵- غین ۶- خا

مخرَج چهارم :

بُنِ زبان (آخر زبان) به مقابل خود به کام بچسبد یک حرف تلفظ می‌شود. قآف

طریقه	تلفظ قاف	قٰا	قِیْ	قُوْ	اَقْ	اِقْ	اُقْ

مخرج پنجم :

مثل مخرج چهارم است اما کمی جلوتر از بُنِ زبان به طرف دهان یک حرف تلفظ می‌شود.کافْ

طریقه	تلفظ کاف	کٰا	کِیْ	کُوْ	اَکْ	اِکْ	اُکْ

مخرج ششم :

وسط زبان به کام بچسبد سه حرف تلفظ می‌شود. ۱- جِیْمْ ۲- شِیْنْ ۳- یا

طریقه	تلفظ جیم	جٰا	جِیْ	جُوْ	اَجْ	اِجْ	اُجْ
طریقه	تلفظ شین	شٰا	شِیْ	شُوْ	اَشْ	اِشْ	اُشْ
طریقه	تلفظ یا	یٰا	یِیْ	یُوْ	اَیْ	اِیْ	اُیْ

تذکر

مخارجی که از این به بعد بیان می‌شوند با دندانها ارتباط دارند لازم است قبل از ذکر این مخارج اسامی دندانها را بدانیم .

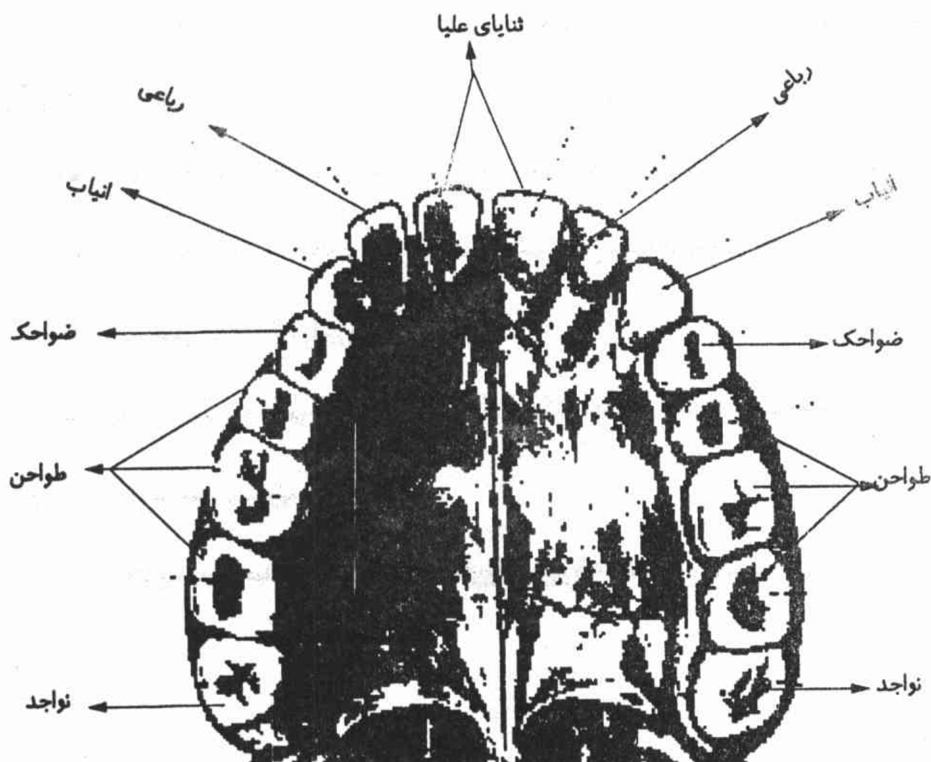
تعداد دندانهای انسان در نهایت رُشد به سی‌ودو عدد می‌رسد که به ترتیب زیر نامگذاری و تقسیم می‌شوند تا در فهمیدن بقیه مخارج مشکلی پیش نیاید.

چهاردندان قسمت جلو را ثَنَایَا می‌گویند. دو تاکه بطرف بالا قرار دارند ثَنَایَايِ عُلْيَا و دو تا که بطرف پائین قرار دارند ثنایای سفلیٰ نام دارند، چهار دندان دیگر که با ثنایا متصل هستند رُبَاعِيَّات و قَوَاطِعْ نام دارند (دوتا در فک بالا و دو تا در فک پائین) چهار دندان دیگر که با رُبَاعِيَّات متصل هستند اَنْيَاب و کواسِر نام دارند، چهار دندان دیگر که با اَنْيَاب متصل هستند ضَوَاحِكْ نام دارند، دوازده دندان دیگر که با ضواحک متصل هستند طَوَاحِنْ نام دارند (شش تا در فک بالا و شش تا در فک پائین).

چهار دندان دیگر که با طواحن متصل هستند نَوَاجِذْ نام دارند. دندانهای ضواحک و طواحن و نواجد را اَضْرَاس می‌گویند.

قابل توجه «مطالب نوشته شده‌درمتن‌بالا مربوط به فک‌بالاوپائین میباشد.»

نقشه مخارج حروف



مخرج هفتم :

کناره بُنِ زبان به دندانهای قسمت بالا (ضَوَاحِکْ،طَوَاحِنْ و نَوَاجِذْ) برخورد کند یک حرف تلفظ می‌شود .ضاذْ

طریقه	تلفظ ضاذْ	ضا	ضِیْ	ضُوْ	اَضْ	اِضْ	اُضْ

مخرج هشتم :

کناره سرزبان به بُنِ دندانهای ثنایای عُلْیَا، رُبَاعِیْ و اَنْیَاب برخورد کند سه حرف تلفظ می‌شود.

۱- لام ۲- نون ۳- را

طریقه	تلفظ لام	لَا	لِیْ	لُوْ	اَلْ	اِلْ	اُلْ
طریقه	تلفظ نون	نَا	نِیْ	نُوْ	اَنْ	اِنْ	اُنْ
طریقه	تلفظ را	رَ	رِیْ	رُوْ	اَرْ	اِرْ	اُرْ

مخرج نهم :

سرزبان به بُنِ دندانهای ثَنَایای عُلْیَا برخورد کند سه حرف تلفظ می‌شود ۱- دالْ ۲- طا ۳- تا

طریقه	تلفظ دال	دَ	دِیْ	دُوْ	اَدْ	اِدْ	اُدْ
طریقه	تلفظ طا	طَا	طِیْ	طُوْ	اَطْ	اِطْ	اُطْ
طریقه	تلفظ تا	تَا	تِیْ	تُوْ	اَتْ	اِتْ	اُتْ

مخرج دهم :

سرزبان به سر دندانهای ثنایای علیا برخورد کند سه حرف تلفظ می‌شود

۱- ذالْ ۲- ظا ۳- ثا

طریقه	تلفظ ذال	ذَ	ذِیْ	ذُوْ	اَذْ	اِذْ	اُذْ
طریقه	تلفظ ظا	ظَا	ظِیْ		اَظْ	اِظْ	اُظْ
طریقه	تلفظ ثا	ثَا	ثِیْ	ثُو	اَثْ	اِثْ	اُثْ

مخرج یازدهم :

سرزبان به بُنِ دندانهای ثنایای سفلیٰ برخورد کند با اتصال دندانهای ثنایای علیا سه حرف تلفظ می‌شود

۱- زا ۲- سِینْ ۳- صاذْ

طریقه	تلفظ زا	زا	زِیٰ	زُو	اَز	اِز	اُز
طریقه	تلفظ سین	سٰا	سِیٰ	سُوٰ	اَس	اِس	اُس
طریقه	تلفظ صاذ	صٰا	صِیٰ	صُوٰ	اَض	اِض	اُض

مخرج دوازدهم :

سردندانهای ثنایای علیا به لب پائین برخورد کند یک حرف تلفظ می‌شود. فا

طریقه	تلفظ فا	فٰا	فِیٰ	فُوٰ	اَف	اِف	اُف

مخرج سیزدهم :

از هر دولب است از قسمت تری لبها (ب) و از قسمت خشکی لبها (م) و از جمع شدن لبها (و) تلفظ می‌شود.

طریقه	تلفظ با	بٰا	بِیٰ	بُوٰ	اَب	اِب	اُب
طریقه	تلفظ میم	مٰا	مِیٰ	مُوٰ	اَم	اِم	اُم
طریقه	تلفظ واو	وٰ	وِیٰ	وُوٰ	اَو	اِو	اُو

مخرج چهاردهم :

مخرج غُنَّه است که از خیشوم (استخوان بینی) تلفظ می‌شود مثل اِنَّ ، مِمَّا

پرسشهای درس دوم :

۱- مخرج را تعریف کنید؟

۲- مخرج دوم و مخرج سوم را بنویسید؟

۳- حروف حلقی را نام ببرید؟

۴- مخرج همزه ، حا ، غ، از کجا است ؟

۵- از مخرجهای زیر چه حروفی تلفظ می‌شود؟

انتهای حلق ، ابتدای حلق ، وسط حلق ، بُنِ زبان به مقابل خود بکام بچسبد.

۶- اسامی دندانها را به ترتیب نام ببرید؟

۷- فرق بین تلفظ (و) در عربی و تلفظ آن در فارسی چیست؟

۸- حروف (طا، دالْ ، لام ، میم) از کدام مخرج هستند؟

۹- از مخرجهای دهم ، یازدهم و سیزدهم چه حروفی تلفظ می‌شود؟

۱۰- سوره حمد، ناس ، فلق و سوره اِخلاص را تلاوت کرده و مخارج حروف را مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

« قسمت دوم »

درس سوم صفات حروف (بیان صفات مُتَضادَه)

تعریف صفت :

کیفیت تلفظ کردن حروف را صفت می‌گویند.

صفت بردو نوع است

۱- صفت ذَاتِیَهْ یا صفت لازِمَهْ

۲- صفت مُحَسِّنَهْ یا صفت مُزَیِّنَهْ

تعریف صفت ذاتیه :

صفت ذاتیه ،آن است که اگر صفت حرف رعایت نشود آن حرف به حرف دیگری عوض می‌شود این چنین صفتی را صفت ذاتیه می‌گویند مثل وَالطَّیْف که اگر وَالسَّیْف خوانده شود. و رعایت نکردن صفت ذاتیه به سه صورت است ۱- به حرف دیگر تبدیل می‌شود.

۲- ناقص ادا می‌شود.

۳- به عجمی تبدیل می‌شود و این سه اشکال به وجود می‌آید.

تعریف صفت مُحَسِّنَهْ :

صفت مُحَسِّنَهْ، آن است که اگر صفت حرف رعایت نشود آن حرف به جای خود باقی می‌ماند اما حُسن و زیبایی آن از بین می‌رود. این چنین صفتی را صفت مُحَسِّنَهْ می‌گویند. مثل

(صِرَاط) که حرف (ر) در این کلمه پُر خوانده می‌شود اما اگر کسی آن را باریک بخواند زیبایی آن از بین می‌رود.

صفات ذاتیه شامل هفده قسم است :

ده قسم اول صفات ذاتیه را صفات متضاده می‌گویند و هفت قسم دیگر صفات ذاتیه را صفات غیر متضاده می‌گویند.

صفات متضاده عبارتند از :

۱- صفت همس	(ضدآن)	۲- صفت جهر
۳- صفت شدّت	(ضدآن)	۴- صفت رخوت

صفت توسط

۵- صفت استعلاء	(ضدآن)	۶- صفت استفال
۷- صفت اطباق	(ضدآن)	۸- صفت انفتاح
۹- صفت إذلاق	(ضدآن)	۱۱- صفت إصمات

۱- صفت هَمْسْ :

هَمْس، در لغت به معنی پستی و پائینی است و حروفی که در آنها صفت هَمْس باشد آنها را حروف مَهْمُوسَة می‌گویند و تعداد آنها ده تا است که دراین مجموعه خلاصه شده‌اند (فَحَثَّه، شَخْصٌ، سَكَتْ) ف، ح، ث، ه، ش، خ، ص، س، ک، ت، منظور از صفت هَمْس این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان در صدا یک نرمی بوجود می‌آید. طوریکه جریان

نَفَس در آن ممکن باشد و صدا به حالت ضعیف قرار می‌گیرد.

۲- صفت جَهْرْ :

جَهْرْ، به معنی بلند خواندن است و حروفی که در آنها صفت جَهْرْ باشد آنها را حروف مَجْهُورَة می‌گویند. غیراز حروف مهموسه بقیه حروف مجهوره هستند منظور از صفت جهر این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان در صدا یک نوع بلندی و قوّتی بوجود می‌آید.صفت همس و صفت جهر ضد همدیگر هستند.

۳- صفت شِدَّتْ :

شدَّتْ ، به معنی سختی است و حروفی که در آنها صفت شِدَّت باشد آنها را حروف شَدِیدَة می‌گویند و تعداد آنها هشت تا است (اَجِدُک ، قَطَبْت) الف ، ج ، د ، ک ، ق ، ط ، ب ، ت ، منظور از صفت شدَّت این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان در صدا یک نوع سختی بوجود می‌آید و صدا بند می‌شود.

۴- صفت رِخْوَتْ :

رِخْوَتْ ، به معنی نرمی است و حروفی که در آنها صفت رخوت باشد آنها را حروف رِخْوَة می‌گویند. غیراز حروف شدیده بقیه حروف رخوه هستند منظور از صفت رخوت این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان در صدا یک نوع نرمی بوجود می‌آید. صفت شدّت و صفت رخوت ضد همدیگر هستند .

تذکر :

درمیان صفت شدّت و صفت رخوت ، صفت دیگری وجود دارد که صفت توسط نام دارد. و حروفی که در آنها صفت توسط باشد آنها را حروف مُتَوَسطه می‌گویند و تعداد آنها پنج تا است (لِنْ ، عُمَر) ل ، ن ، ع ، م ، ر ، منظور از صفت توسط این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان صدانه کاملاً بند می‌شود و نه کاملاً جاری می‌شود.

۵- صفت اِسْتِعلاء :

اِسْتِعْلاَء ، به معنی بلندی است و حروفی که در آنها صفت استعلاء باشد آنها را حروف مُسْتَعْلِيَهْ می‌گویند که تعداد آنها هفت تا است (خُصَّ ، ضَغْطٍ ، قِظ) خ ، ص ، ض ، غ ، ط ، ق ، ظ منظور از صفت استعلاء این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان اکثر سطح زبان بطرف کام بلند می‌شود به همین سبب این حروف کلفت خوانده می‌شوند.

۶- صفت اِسْتِفَالْ :

اِسْتِفَالْ، به معنی پائینی است و حروفی که در آنها صفت استفال باشد آنها را حروف مُسْتَفِلَهْ می‌گویند. غیر از حروف مستعلیه بقیه حروف مستفله هستند. منظور از صفت استفال این است که هنگام تلفظ کردن این حروف ازمخرجشان اکثر سطح‌زبان بطرف کام ،بلند نمی‌شود به‌همین سبب این حروف باریک خوانده‌می‌شوند. و صفت‌استعلاء و صفت‌استفال‌ضد همدیگر هستند.

۷- صفت اِطْبَاقْ :

اِطْبَاقْ ، به معنی روی هم قرار گرفتن است و حروفی که در آنها صفت اطباق باشد آنها را

حروف مطبقه می‌گویند و تعداد آنها چهار تا است. ص ، ض ، ط ، ظ ، منظور از صفت اطباق این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان اکثر سطح زبان بکام می‌چسبد و این حروف کُلفت خوانده می‌شوند.

۸- صفت اِنْفِتَاحْ :

اِنْفِتَاحْ ، به معنی باز شدن و جدا شدن است و حروفی که در آنها صفت انفتاح باشد آنها را حروف مُنْفَتِحه می‌گویند و غیر از حروف مطبقه بقیه حروف منفتحه هستند. منظور از صفت انفتاح این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان اکثر سطح زبان بکام نمی‌چسبد و از آن جدا می‌ماند. صفت اطباق و صفت انفتاح ضد همدیگر هستند.

۹- صفت اِذْلاقْ :

اِذْلاقْ ، به معنی تیزی و تندی است و حروفی که در آنها صفت اذلاق باشد آنها را حروف مُذْلِقَهْ می‌گویند و تعداد آنها شش تا است که در این مجموعه خلاصه شده‌اند (فَرَّ، مِنْ ، لُبْ) ف ر، م ، ن ، ل ، ب ،

منظور از صفت اذلاق این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان از کناره زبان و لب با نهایت تیزی و آسانی تلفظ می‌شوند.

۱۰- صفت اِصْمَاتْ :

اِصْمَاتْ ، به معنی سکوت و بند شدن صدا است و حروفی که در آنها صفت اصمات باشد آنها را حروف مُصْمِتَهْ می‌گویند غیر از حروف مذلقه بقیه حروف مصمته هستند منظور از

صفت اصمات این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان به مضبوطی تلفظ می‌شوند و به زودی تلفظ نمی‌شوند.

صفت اذلاق و صفت اصمات ضد همدیگر هستند.

تذکر :

از صفات متضاده، در هر حرف پنج صفت وجود دارد مثلاًکلمه قَاللّٰهُ اگر صفات حروف آن را مشخص کنیم به این صورت معلوم می‌شوند

حرف (ف)

۱- صفت همس در این حرف وجود دارد وصفت جهر در این حرف نیست.

۲- صفت رخوت در این حرف وجود دارد وصفت شدت در این حرف نیست.

۳- صفت استفال در این حرف وجود دارد وصفت استعلاء در این حرف نیست.

۴- صفت انفتاح در این حرف وجود دارد وصفت اطباق در این حرف نیست.

۵- صفت اذلاق در این حرف وجود دارد وصفت اصمات در این حرف نیست.

بقیه حروف را به همین صورت قیاس کنید.

پرسشهای درس سوم

۱- صفت را تعریف کنید؟

۲- صفت ذاتیه را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۳- صفت محسنه را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۴- صفتها چه عملی را انجام می‌دهند؟

۵- حروفی را که از صفت همس، صفت شدّت و صفت استعلاء برخوردارند نام ببرید؟

۶- با کمک درس صفتهای حروف زیر را تعیین کنید؟

خُصَّ، ط، ظ، ف، ر، م، ن

۷- صفات متضاده را نام ببرید؟

۸- با استفاده از درسهای (۲) و (۳) تفاوت هر دو حرف زیر را بگویید؟

(ه و ح)، (ث و س)، (ء و ع)، (ق و غ)

۹- متضاد صفتهای زیر را بنویسید و بگویید در هر حرف چند صفت وجود دارد با ذکر مثال توضیح دهید؟

۱- همس　　　۲- شدّت

۳- استعلاء　　　۴- اطباق

۵- اذلاق

۱۰- سوره حمد و سوره ناس، سوره فلق و سوره اخلاص را تلاوت کنید و صفتهایی را که حروف را از یکدیگر تمیز می‌دهد مشخص کنید و در دفترتان بنویسید.

درس چهارم بیان صفات غیر متضاده

صفات غیر متضاد هفت تا هستند

۱- صفت صَفِیْر

۲- صفت قَلْقَلَہ

۳- صفت لِیْن

۴- صفت اِنْحِرَاف

۵- صفت تَکْرِیْر

۶- صفت تَفَشِّی

۷- صفت اِسْتِطَالَتْ

۱- صفت صَفِیْرْ :

صَفِیْر،به معنی صدای شبیه سوت است و تعداد حروف آن سه تـااست (۱- ز، ۲- س ، ۳- ص) منظور از صفت صفیر این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان یک صدای تیز شبیه سوت از دهان منتشر می‌شود.

۲- صفت قَلْقَلَه :

قلقله، به معنی تکان دادن و جنباندن است و تعداد حروف آن پنج تا است (قُطْبُ ، جَدٍّ) ق ، ط ، ب ، ج ، د . منظور از صفت قلقله این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان وقتی ساکن باشند یک نوع جنبشی در صدا بوجود می‌آید.

تذکر

نبایدقلقله طوری زیاد باشد که‌به حرکت تبدیل شود تا سبب از بین‌رفتن سکون حرف‌گردد.

۳- صفت لِیْنْ :

لین، به معنی نرمی است و تعداد حروف آن دو تا است (و،ی) منظور از صفت لین این است که هنگام تلفظ کردن این حروف از مخرجشان وقتی ساکن باشند و حرف ماقبل آنها مفتوح باشد با چنان نرمی تلفظ می‌شوند که مد کردن بر آنها به آسانی و نرمی انجام می‌گیرد مثل وَالصَّیْفْ ، خَوْفْ

تذکر

در کلمه وَالصَّیْفْ ، خَوْفْ زمانی مد لین می‌شود که بر آنها وقف شود.

۴- صفت اِنحراف :

انحراف ، به معنی کجی است و حروفی که در آنها صفت انحراف باشد آنها را حروف منحرفه می‌گویند و تعداد حروف آن دو تا است (ل،ر) منظور از صفت انحراف این است که هنگام تلفظ کردن حرف (لام) کناره زبان و هنگام تلفظ کردن حرف (ر) پشت زبان به سوی مخرج لام بطرف کام تمایل می‌شود.

۵- صفت تَکْرِیْرْ :

تکریر ، به معنی تکرار است و حرف تکریر (ر) است . منظور از صفت تکریر این است که هنگام تلفظ کردن حرف (ر) یک لرزه‌ای شبیه به تکرار در صدا پیدا می‌شود که از آن تکرار باید

پرهیز کرد.

۶- صفت تَفَشّیْ :

تفشی ، به معنی منتشر شدن است و حرف تفشی (ش) است. منظور از صفت تفشی این است که هنگام تلفظ کردن حرف (ش) صدا در دهان منتشر می‌شود.

۷- صفت اِسْتِطَالَتْ :

استطالت ، به معنی طولانی بودن است و حرف استطالت (ض) است منظور از صفت استطالت این است که هنگام تلفظ کردن حرف (ض) در صدا حالت امتداد بوجود می‌آید.

پرسشهای درس چهارم

۱- صفات غیرمتضاده را نام ببرید؟

۲- حروفی راکه از صفت صفیر و صفت قلقله برخوردارند نام ببرید؟

۳- معانی صفتهای زیر را با ذکر حروف هر کدام بگویید؟

لین ، انحراف ، تکریر ، استطالت

۴- حروف زیر دارای کدام صفت هستند؟

ص ، ق ، ب ، د ، ر ، ش

۵- فرق صفات متضاده با صفات غیرمتضاده چیست ؟

۶- صفات حروفی راکه درکلمات ذیل زیرشان خط کشی شده است بیان کنید؟

وَالْمُؤْمِنٰتِ ، عَذَابُ الْحَرِيْقِ ، بَطْشَ ، لَشَدِيْد ، ذُوالْعَرْشِ ، تَكْذِيْبٍ ، مُحِيْطٌ

۷- سوره غاشیه را تلاوت کرده ، صفات غیر متضاده را مشخّص کنید و در دفترتان بنویسید؟

۸- سوره اَعْلیٰ را تلاوت کرده ، صفات غیر متضاده را مشخَّص کنید و در دفترتان بنویسید؟

«قسمت سوم»

درس پنجم صفات مُحَسِّنَه

۱- غُنّهْ کردن حرف نون

۲- غُنّهْ کردن حرف میم

۳- تعریف غُنّه

۴- تعریف إظهار

۵- اظهار نون ساکن و تنوین (ـــْــــــــــــٌ)

قاعده ۱ = هرگاه حرف (ن) وحرف (م) مشدد (ّ) باشند با غُنَّهْ خوانده می‌شوند. مثل إنَّ، مِمَّا، هُنَّ

قاعده ۲ = تعریف غُنّهْ

غُنَّهْ، به معنی داخل کردن صدا در بینی است و انداره آن یک الف می‌باشد.

قاعده ۳ = حروف حلقی

حروف حلقی ،به حروفی گفته می‌شوند که از حلق تلفظ می‌شوند و تعداد آنها شش تا است.

همزه ، ها ، حا، عین ، غین ، خا .

قاعده ۴ = اظهار

اظهار ، بدون غُنّهٔ و اخفاء را می‌گویند و تلفظ کردن حروف را بدون غُنّه و اخفاء را اظهار می‌گویند .

قاعده ۵ = اظهار نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ

هر گاه بعدازنون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ یکی‌از حروف حلقی بیاید آن نون ساکن وتنوین (ـًـٍـٌ) با اظهار خوانده می‌شوند.

مثال‌نون ساکن که بعداز آن حروف حلقی‌بیاید.	مثال تنوین ـًـٍـٌ که بعدازحروف حلقی بیاید
همزه = مَنْ آمَنَ	همزه = کُلٌّ آمَنَ
ها = مِنْهُمْ	ها= فَرِیقاً هَدٰی
حا = وَانْحَرْ	حا = غَفُورٌ حَلِیم
عین = أَنْعَمْتَ	عین = سَمِیعٌ عَلِیم
غین = مِنْ غَیْرِ	غین = قَوْلاً غَیْرَالَّذِیْ
خا = مِنْ خَوف	خا = یَوْمَئِذٍ خَاشِعَه

در تمام این مثالها نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ با اظهار خوانده می‌شوند.

پرسشهای درس پنجم

۱- معنی غُنّه چیست ؟

۲- حرف (ن) و حرف (م) در چه صورتی با غُنّه خوانده می‌شوند.

۳- معنی اظهار چیست ؟

۴- نون ساکن چگونه بااظهار خوانده می‌شود؟ باذکر مثال توضیح دهید؟

۵- تنوین ـــًــــٍـــــٌ چگونه با اظهار خوانده می‌شود؟با ذکر مثال توضیح دهید.

۶- سوره ناس، نصر ، کوثر و سوره تکاثر را تلاوت کرده و قاعده غُنّه را در آنها مشخّص کنید و در دفترتان بنویسید.

۷- سوره فاتحه ، فلق ، اخلاص ،لَهب و سوره فیل را تلاوت کرده و قاعده اظهار را در آنها مشخّص کنید و در دفترتان بنویسید.

درس ششم قواعد اِدغام

۱- تعریف ادغام

۲- انواع ادغام

۳- ادغام نون ساکن و تنوین ـــًــــٍـــــٌ در حروف یرملون .

۴- علامت سکته در حروف یرملون

قاعده ۶ - تعریف ادغام

ادغام ، داخل کردن یک حرف را در حروف دیگر و مشدّد خواندن آن حرف را ادغام می‌گویند.

ادغام برسه نوع است :

۱- ادغام مِثْلَیْن

۲- ادغام مُتَجَانِسَیْن

۳- ادغام مُتَقَارِبَیْن

قاعده ۷ - تعریف ادغام مِثْلَیْنْ

ادغام مثلین ، آن است که اگر دو حرف مثل هم در کنار همدیگر قرار بگیرند، حرف اول ساکن و حرف دوم متحرک باشد، حرف اول را در حرف دوم ادغام می‌کنند این را ادغام مثلین می‌گویند مثل اِذْهَبْ که در اصل اِذْذَهَبْ بوده است .

تذکر

در ادغام مثلین اگر حرف اول ساکن نباشد ادغام صورت نمی‌گیرد مثل سَلَکَکُمْ که ادغام نمی‌شود.

قاعده ۸ - تعریف ادغام مُتَجَانِسَیْن

ادغام متجانسین ، آن است که اگر دو حرف از یک مخرج باشند و در کنار همدیگر قرار بگیرند حرف اوّل را در حرف دوّم ادغام می‌کنند. این را ادغام متجانسین می‌گویند مثل عَبَدْتُّمْ که به علّت ادغام متجانسین عَبَتُّمْ خوانده می‌شود.اَرَدْتُّمْ که اَرَتُّمْ خوانده می‌شود. در هر دو مثال حرف (د) در حرف (ت) ادغام شده است.

تذکر

در همه موارد ادغام متجانسین صورت نمی‌گیرد مثلاً درکلمه قُلْنَا حرف (ل) در حرف (ن) ادغام نمی‌شود و قُنَّا خوانده نمی‌شود. در کلمه فَاصْفَحْ عَنْهُمْ حرف (ح) در حرف (ع) ادغام نمی‌شود فَاصْفَعَّنْهُمْ خوانده نمی‌شود.

قاعده ۹ - تعریف ادغام مُتَقَارِبَیْن

ادغام متقاربین، آن است که اگر دو حرف هریک از مخرج جداگانه باشند و درکنار همدیگر قرار بگیرند حرف اوّل را درحرف دوّم ادغام می‌کنند مثل نَخْلُقْکُمْ که به علّت ادغام متقاربین نَخْلُکُّمْ خوانده می‌شود.

قاعده ۱۰ = ادغام نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ در حروف یرملون

هرگاه بعد از نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ یکی از حروف یرملون بیاید آن نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ به حرف یرملون تبدیل می‌شود و ادغام می‌شود.

مثال نون ساکن که بعد ازآن حروف یرملون بیاید	مثال تنوین ـًـٍـٌ که بعد از آن حروف یرملون بیاید
ی = مَنْ يَقُوْلُ كه مَيَّقُوْلُ خوانده می‌شود [1]	ی = مِيثَاقًا يَوْمَ که مِيثَاقَيَّوْمَ خوانده می‌شود
ر = مِنْ رَبِّهِمْ که مِرَّبِّهِمْ خوانده می‌شود	ر = غَفُوْرٌ رَّحِيْم‌كه‌غَفُوْرَ رَّحِيْم‌خوانده می‌شود

۱ ـ خوانندگان عزیز توجه داشته باشند که شکل غنه در نوشتن نیامده است لذا موقع خواندن ادغام با غنه در نظر گرفته شود.

م = مِنْ مَّسَد که مِمَّسَد خوانده می‌شود

ل = مِنْ لَّدُنْهُ که مِلَّدُنْهُ خوانده می‌شود

و = مِنْ وَّرَائِهِمْ که مِوَّرَائِهِمْ خوانده می‌شود ۲

ن = مَنْ نَّفْس که مِنَّفْس خوانده می‌شود

م = عَمَدٍمُّمَدَّدَه که عَمَدِمُّمَدَّدَه خوانده می‌شود

ل = مَالاً لُّبَدا که مَالَّبَدا خوانده می شود

و = مَالاً وَّعَدَّدَه که مَالَوَّعَدَّدَه خوانده‌می‌شود

ن = عَامِلَةٌ نَّاصِبَه که عَامِلَتُنَّاصبه خوانده می‌شود

قاعده۱۱ = در حروف یرملون‌درچهارحرف‌که‌عبارتنداز (ینمو، یمون)

ی، ن، م، و، ادغام با غُنَّه خوانده می‌شوند. و در دو حرف (ل،ر) بصورت ادغام بدون غُنَّه خوانده می‌شود.

قاعده ۱۲ = هرگاه نون ساکن و حروف یرملون در یک کلمه باشند ادغام و غنه نمی‌شوند و در قرآن مجید فقط چهارکلمه است که این قاعده در آنها است و آنها عبارتند : دُنْیا، بُنْیَان، قِنْوَان، صِنْوَان

تذکر

سکته مانند حالت وقف است مثلاً عِوَجاً (سکته) قَیِّمًا درحالت وصل عِوَجَا سکته قَیِّمًا خوانده می‌شود.

قاعده ۱۳ = سکته، به معنی قطع کردن صدا بدون قطع شدن نفس است .

قاعده ۱۴ = هرگاه بعد از نون ساکن علامت سکته بیاید و بعد از آن حروف یرملون بیاید نون ساکن ادغام نمی‌شود مثل مَنْ سکته رَاق که مَرَّاق خوانده نمی‌شود.

پرسشهای درس ششم

۱- ادغام را تعریف کنید و انواع آن را نام ببرید؟

۲- ادغام مثلین را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۳- ادغام متجانسین را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۴- ادغام متقاربین را باذکر مثال تعریف کنید؟

۵- نون ساکن در حروف یرملون چگونه ادغام می‌شود با ذکر مثال بنویسید؟

۶- تنوین ـً ـٍ ـٌ در حروف یرملون چگونه ادغام می‌شود؟ باذکر مثال بنویسید؟

۷- در حروف یرملون چند حرف آن بصورت ادغام با غُنّه خوانده می‌شود و چند حرف بدون غُنّه خوانده می‌شود باذکر مثال بنویسید؟

۸- معنی سکته چیست ؟ و در حروف یرملون چه عملی را انجام می‌دهد با ذکر مثال بنویسید؟

۹- مثالهای زیر از کدام نوع ادغام هستند هرکدام را تعیین کنید و بگویید چگونه خوانده می‌شوند؟

اَنْ یَدْخُلَ ، اَنْ لَنْ ، اِذْظَلَمُوْا، قُلْ رَبِّ ، حَقٌّ مَعْلُوْم ، لَکَنُوْدٌ وَاِنَّه، قَوْلاً مِنْ ، عَدُوٌّ لَکُمْ ، تَوَاعَدْتُمْ ، یُدْرِکْکُمُ الْمَوْتُ .

۱۰- سوره فجر ، سوره نبا را تلاوت کرده و نوع ادغام را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

درس هفتم اخفاء

۱- قواعد اخفاء

۲- قواعد میم ساکن

۳- اقلاب

قاعده ۱۵ = تعریف إخفاء:

اخفاء، به معنی پوشاندن و پنهان کردن نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ است بطوریکه صفت غُنّه باقی بماند.

حروف اخفاء :

حروف اخفاء، پانزده تا هستند .از حروف عربی بجز حرف (ب) شش حرف حلقی و شش حرف (یرملون) بقیه حروف اخفاء هستند. پس حروف اخفاء عبارتند از :

ت ، ث ، ج ، د ، ذ ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ف ، ق ، ک

قاعده ۱۶ = اخفاء نون ساکن و تنوین (ـًـٍـٌ)

هر گاه بعد از نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ یکی از حروف اخفاء بیاید آن نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ با اخفاء خوانده می‌شوند.

مثال نون ساکن که بعد از آن حروف اخفاء بیاید

ت = مَنْ تَابَ

ث = مِنْ ثَمَرَةٍ

ج = مَنْ جَآءَ

د = مِنْ دُوْنِ اللّٰه

ذ = مَنْ ذَالَّذِیْ

ز = مِنْ زَوَال

س = مِنْ سُلَیْمَان

ش = مِنْ شَرِّ

ص = مَنْ صَدَّ

ض = عَنْ ضَلاَلَتِهِمْ

ط = مِنْ طُوْرِ

ظ = مَنْ ظَلِمَ

ف = تُنْفِقُوْا

ق = مِنْ قَبْلِ

ک = مَنْ کَانَ

مثال تنوین ـً ـٍ ـٌ که بعد از آن حروف اخفاء بیاید

ت = سَبِیْلاً تَبَارَکَ

ث = مَآءً ثَجَّاجا

ج = حُبّاً جَمّا

د = دَکّاً دَکّا

ذ = صَوَاباً ذٰلِکَ الْیَوْم

ز = قَوْلاً زُوْرَا

س = وَلَداً سُبْحٰنَه

ش = سَبْعاً شِدَاداً

ص = صَفّاً صَفّا

ض = مُسْفِرَةٌ ضَاحِکَةٌ

ط = سَبْحاً طَوِیْلاً

ظ = لِبَعْضٍ ظَهِیْرا

ف = ضَآلاًّ فَهَدٰی

ق = بِسُوْءٍ قَالَ

ک = اِذاً کَرَّةٌ

قواعد میم ساکن

۱- اخفاء م ساکن

۲- ادغام میم ساکن

۳- اظهار میم ساکن

قاعده ۱۷ - اخفاء میم ساکن

هرگاه بعد از میم ساکن، حرف (ب) بیاید آن میم ساکن با اخفاء خوانده می‌شود مثل يَعْتَصِمْ بِاللّٰه، اَنْتُمْ بِه، و این اخفاء را اخفای شفوی می‌گویند و به این صورت انجام می‌گیرد که اوّل حرف میم را از خشکی لبها با نهایت نرمی و صفت غُنّه تلفظ کند و بعد حرف (ب) را از قسمت تری لبها تلفظ کند.

قاعده ۱۸ - ادغام میم ساکن

هرگاه بعد از میم ساکن، میم متحرک بیاید میم اوّل در میم دوّم ادغام می‌شود و با غُنّه خوانده می‌شود مثل اِلَيْكُمْ مُرْسَلُوْن، اَطْعَمَهُمْ مِنْ

قاعده ۱۹ - اظهار میم ساکن

هرگاه بعد از میم ساکن، غیر از حرف (ب) و حرف (میم)، حرف دیگری قرار بگیرد میم ساکن با اظهار خوانده می‌شود مثل لَهُمْ عَذابٌ، فَلَكُمْ اَجْرٌ، جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ، قُلُوْبُهُمْ قَسِيَة .

قاعده ۲۰ - قواعد اقلاب

۱- اقلاب نون ساکن

۲- اقلاب تنوین ـًـٍـٌ

تعریف اقلاب :

اقلاب ، به معنی تبدیل کردن است

هرگاه بعد از نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ حرف (ب) بیاید آن نون ساکن و تنوین ـًـٍـٌ به میم تبدیل می‌شود. و اخفاء همراه با غنه خوانده می‌شود.

مثال نون ساکن = مِنْ بَعْدِ که مِمْبَعْدِ خوانده می‌شود، اَنْبِیَآءَ که اَمْبِیَآءَ خوانده می‌شود اَنْ بُوْرِکَ که اَمْ بُوْرِکَ خوانده میشود .

مثال تنوین ـًـٍـٌ: قَآئِماً بِالْقِسْطِ که قَآئِمَمْ بِالْقِسْطِ خوانده می‌شود.

لَنَسْفَعاً بِالنَّاصِیَه که لَنَسْفَعَمْ بِا لنَّاصِیَه خوانده می‌شود.

پرسشهای درس هفتم

۱- معنی اخفاء چیست ؟

۲- حروف اخفاء را نام ببرید؟

۳- نون ساکن چگونه با اخفاء خوانده می‌شود؟باذکر مثال توضیح دهید؟

۴- تنوین (ـًـٍـٌ) چگونه با اخفاء خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۵- میم ساکن در چه صورتی با اخفاء خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۶- میم ساکن در چه صورتی با ادغام و غُنّه خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۷- میم ساکن در چه صورتی با اظهار خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۸- معنی اقلاب چیست ؟

۹- نون ساکن وتنوین ـًــــبــٌ چگونه بااقلاب خوانده می‌شوند؟باذکرمثال توضیح دهید؟

۱۰- الف - سوره ناس ، فلق ، لَهب ، کافرون ، ماعون ، قریش و فیل را تلاوت کرده و قاعده اخفاء را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

ب = سوره همزه ، علق ، لیل ، شمس و سوره بلد را تلاوت کرده و قاعده اقلاب را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید.

درس هشتم قواعد همزه و قواعد مد

قاعده ۲۱ - تعریف همزه

همزه ، آن است که قبول حرکت کند و در اوّل و در وسط و در آخر کلمات می‌آید و تلفظ می‌شود مثل اَنا، سَأَلَ ، سُوْءَ

تعریف الف :

الف ، آن است که قبول حرکت نمی‌کند و همیشه ساکن است و جنبش ندارد و اگر خوانده شود با حرکت حرف ما قبل خود خوانده می‌شود مثل صِرَاطَ

تذکر

الف اگر حرکت داشته باشد به آن همزه می‌گویند و الف‌نمی‌گویند و نیز هیچگاه الف در اوّل کلمه نمی‌آید.

قاعده ۲۲ - همزه بر دو نوع است

۱- همزه وصلی

۲- همزه قطعی

تعریف همزه وصلی :

همزه وصلی ، آن است که اگر حرف ماقبل همزه به حرف بعد از آن وصل شود همزه خوانده نمی‌شود مثل بِرَبِّ النَّاس

تعریف همزه قطعی :

همزه قطعی ، آن است که اگر حرف ماقبل همزه به حرف بعد از آن وصل شود همزه خوانده می‌شود مثل مَاأَغْنیٰ

تذکر

هشت مورد هستند که همزه شان قطعی است

۱- همزه باب افعال مثل اِکرام

۲- اسم تفضیل مثل اَعْلَمُ

۳- حروف بنا مثل اِنَّ ، اَنَّ

۴- مجموع (همزه جمع) مثل اَبواب ، اَصحاب

۵- واحد متکلم مثل اَضْرِبُ

۶- أعلام مثل اِبْرَاهیم

۷- همزه استفهام ءَاَنْذَرْتَهُمْ

۸- فعل تعجب مثل مَاأَحْسَنَه

قواعد مَد :

۱- تعریف مد ، حروف مده

۲- سبب مد ، مداصلی ، مد فرعی یا مد طبیعی ، مد غیرطبیعی

۳- انواع مد فرعی

۴- انواع مد لازم

قاعده ۲۳ - تعریف مَدْ

مد به معنی طولانی کردن و زیاد شدن است

حروف مَدّهْ

حروف مد، سه تا هستند ۱- واو ساکن که ما قبلش مضموم باشد مثل اَلْمَغْضُوْبِ

۲- (ی) ساکن که ما قبلش مکسور باشد مثل نَسْتَعِيْنُ ۳- الف ساکن که ما قبلش مفتوح باشد مثل صِرَاطَ

تذکر

ضمه معکوس (ٗ) در واو مده ، و کسره‌ای که مثل الف کوتاه است در (ی) مده، و الفی که مثل الف کوتاه است در الف مده داخل است مثل لَه ، بِهٖ ، رَحْمٰن

قاعده ۲۴ = سبب مد

سبب مد ، دو تا است ۱- سکون ۲- همزه که بعد از حروف مد قرار می‌گیرند.

تعریف مد اصلی :

مد اصلی ، اگر مد سبب نداشته باشد به آن مد اصلی می‌گویند مثل قَالَ ،قِيْلَ ، قَالُوْا و حرف مد در این مثالها به اندازه یک الف مد کرده می‌شود .

تذکر

مد اصلی را مد طبیعی هم می‌گویند

تعریف مد فرعی

مد فرعی آن است که اگر مد سبب داشته باشد به آن مد فرعی می‌گویند مثل رَجِيْمْ ، سُوْٓءَ که در مثال اوّل بعد از حرف مد (ی) سکون و در مثال دوم بعد از حرف مد (و) همزه قرار دارد و

هر دو سبب مد هستند.

تذکر

اندازه مد فرعی چهار الف است

قاعده ۲۵ - انواع مد فرعی

۱- مد مُتَّصِل

۲- مد مُنفَصِل

۳- مد عارضی

۴- مد لازم

تعریف مد متصل :

مد متصل ، آن است که اگر بعد از حرف مد همزه بیاید و حرف مد و همزه در یک کلمه باشند حرف مد، با مد خوانده می‌شود مثل جَآءَ ، سُوْٓءَ ، جِیْٓءَ ، سِیْٓئَتْ

تعریف مد منفصل :

مد منفصل ، آن است که اگر بعد از حرف مد همزه بیاید و حرف مد و همزه در دو کلمه کنار همدیگر قرار بگیرند حرف مد ،با مد خوانده می‌شود مثل اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ ، قَالُوْٓا اٰمَنَّا ، اَلَّذِیْٓ اَطْعَمَهُمْ

تذکر

در مد منفصل زمانی مد صورت می‌گیرد که هر دو کلمه را باهم وصل کنیم و اگر وصل نکنیم مد منفصل نمی‌شود.

تعریف مد عارضی :

مد عارضی ، آن است که اگر بعد از حرف مد ، حرف ساکن باشد که سکون آن به سبب وقف باشد حرف مده با مد خوانده می‌شود مثل رَحِیْمْ ، غَفُوْرْ

تذکر

در مد عارضی اگر وقف نکنیم مد صورت نمی‌گیرد.

تعریف مد لازم :

مد لازم ،آن است که اگر بعد از حرف مد، سکون اصلی یا مشدد (ّ) واقع شود حرف مد با - مد خوانده می‌شود مثل دآبّه ، ضَآلِّیْنَ

قاعده ۲۶ = مد لازم بر چهار نوع است

۱- مد لازم حرفی مُثَقَّل

۲- مد لازم حرفی مُخَفَّف

۳- مد لازم کلمی مثقل

۴- مد لازم کلمی مخفف

تذکر حروف مقطعه

حروف مقطعه ، به حروفی گفته می‌شود که جداجدا خوانده می‌شود که در اوائل سورها هستند و تعداد آنها چهارده تا است و در ۲۹ سوره قرآن مجید وجود دارند.

حروف مقطعه‌ای که در وقت خواندن برحرف آخرشان تشدید پیدا شود آن را مدلازم

حرفی مثقل می‌گویند مثل الٓمٓ که حرف لام را با حرف میم بخوانیم تشدید پیدا می‌شود طسٓمٓ

حروف مقطعه‌ای که در وقت خواندن برحرف آخرشان تشدید پیدا نشود آن را مدلازم حرفی مخفف می‌گویند مثل یٰسٓ ، طٰسٓ

تذکر

علّت مد در بعضی از حروف مقطعه آن است که بعد از حرف مد اگر حرف ساکن واقع شود حرف مد، با - مد خوانده می‌شود مثل کآفْ ، صآدْ ، میٓمْ ، لآمْ

تعریف مدلازم کلمی مُثَقَّلْ :

مدلازم کلمی مُثَقَّلْ ، آن است که اگر بعد از حرف مد، حرف مشدد واقع شود و حرف مد و تشدید در یک کلمه باشند حرف مد، با - مدخوانده میشود مثل ضَآلِّیْنَ این را مد لازم کلمی مُثَقَّل می‌گویند.

تعریف مد لازم کلمی مُخَفَّفْ :

مد لازم کلمی مخفّف ، آن است که اگر در یک کلمه بعد از حرف مد، سکون اصلی واقع شود حرف مد با- مدخوانده می‌شود مثل آلْئٰنَ

قاعده ۲۷ - مدلین لازم :

در حروف مقطّعه در دوجا اوّلی در سوره مریم و دوّمی در سوره شوریٰ بر حرف (عین) بعلّت سکون که بعد از حرف مد قرار دارد و ماقبل آن هم مفتوح است مدلین انجام می‌گیرد.

قاعده ۲۸ - هرگاه بعد از حروف لین (و ، ی) حرف ساکن قرار بگیرد که سکون آن به

سبب وقف باشد به سه صورت مد کردن جائز است ۱- قَصْر ۲- تَوَسُّط ۳- طُوْل

قصر :

قصر ، یعنی اینکه حرف مدّ را به اندازه یک الف بکشیم .

توسط :

توسط ، یعنی اینکه حرف مدّ را به اندازه دو الف بکشیم .

طول :

طول ، یعنی اینکه حرف مدّ را به اندازه سه الف بکشیم.

پرسشهای درس هشتم

۱- همزه و الف را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۲- همزه بر چند نوع است ؟ انواع آن را با ذکر مثال نام ببرید؟

۳- مَدّ را تعریف کنید و حروف آن را با ذکر مثال نام ببرید؟

۴- سبب مد چند تا است ؟ نام ببرید؟

۵- مدّ طبیعی را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۶- مد اصلی و مدفرعی را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۷- مدفرعی بر چند نوع است ؟ انواع آن را با ذکر مثال نام ببرید؟

۸- مد لازم بر چند نوع است ؟ انواع آن را باذکر مثال نام ببرید؟

۹- انواع مد جائز را نام ببرید؟

۱۰- سوره فاتحه ، ناس ، فلق ،اخلاص را تلاوت کرده و همزه وصلی و قطعی را در آنها مشخّص کنید و در دفترتان بنویسید؟

۱۱ـ سوره لهب، نصر، کافرون، کوثر، قریش و سوره فیل را تلاوت کرده و مد متصل، مد منفصل و مد عارضی را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

درس نهم

۱- قواعد اِجْتماع ساکنین

۲- قواعد لام جلاله

۳- قواعد لام تعریف

قاعده ۲۹ = اجتماع ساکنین ، عبارت است از جمع شدن دو ساکن در یکجا و اجتماع ساکنین بر دو نوع است :

۱- علی حَدِّه ۲- علی غیر حَدِّه

اجتماع ساکنین علی حدّه :

اجتماع ساکنین علی حدّه آن است که اگر دو حرف ساکن در کنار همدیگر قرار بگیرند و حرف ساکن اول حرف مده باشد و هر دو ساکن در یک کلمه باشند این را اجتماع ساکنین علی حدّه می‌گویند مثل دآبّه ، اٰلْئٰن ، یٰتی و این اجتماع ساکنین جائز است .

اجتماع ساکنین علی غیر حدّه :

اجتماع ساکنین علی غیر حدّه آن است ۱-که اگر ساکن اول مده نباشد ۲- و هر دو ساکن در یک کلمه نباشند این را اجتماع ساکنین علی غیر حدّه می‌گویند.

پس اگر ساکن اول مده باشد آن را حذف می‌کنیم مثل اَقِیْمُو الصَّلوة، وَاسْتَبَقَاالْبَابَ، فِی‌الْأَرْضِ و اگر ساکن اول مده نباشد پس آن را حرکت کسره می‌دهیم مثل اَنْذِرِالنَّاس

قاعده ۳۰ = در اجتماع ساکنین علی غیر حدّه اگر ساکن اول میم جمع باشد آن را حرکت ضمه می‌دهیم مثل عَلَیْکُمُ الصِّیَام که در اصل عَلَیْکُمْ اَلصِّیَام بوده است در (مِنْ) که حرف جاره است هرگاه بعد از آن ساکن باشد نون (مِنْ)مفتوح خوانده می‌شود مثل مِنَ‌اللّٰه ، همچنان میم (الم اللّٰه در حالت وصل مفتوح خوانده می‌شود.

قاعده ۳۱ = تنوین در حالت وصل با ساکن دوم حرکت کسره می‌گیرد.

مثل اَحَدٌ اَللّٰهُ که در حالت وصل اَحَدُنِ للّٰه خوانده می‌شود که در این مثال ساکن اول (ن) وساکن دوم (ل) است و حرف نون را حرکت کسره می‌دهیم خَیْرٌ اِهْبِطُوْا که خَیْرُنِ هْبِطُوْا خوانده می‌شود.

تذکر

تنوین ـًــــٍــــٌ در واقع نون ساکن‌است چون که در هنگام تلفظ صدای نون به گوش ما می‌رسد مثل (بٌ ، بُنْ) که هر دو به یک صورت خوانده می‌شوند.

تذکر = حروف (والی) اگر حرکت نداشته باشند خوانده نمی‌شوند مثل یُقِیْمُواالصَّلوٰةَ

قواعد لام جلاله

قاعده ۳۲- لام لفظ اَللّٰه و اَللّٰهُمَّ را لام جلاله می‌گویند.

اگر ما قبل لام جلاله مفتوح یا مضموم باشد لام جلاله پُر (کُلفت) خوانده می‌شود و این پُر خواندن را تفخیم می‌گویندمثل اَرَادَاللّٰه ، رَفَعَهُ اللّٰه . و اگر حرف ماقبل لام جلاله مکسور باشد لام جلاله باریک خوانده می‌شود و این باریک خواندن را ترقیق می‌گویند.

مثل اَعُوْذُ بِااللّٰه ، بِسْمِ اللّٰه

تذکر

این قاعده مخصوص لام جلاله است و بقیه لامها باریک خوانده می‌شوند مثل مَاوٰلّٰهُمْ ،کُلُّه

قواعد لام تعریف :

۱- اظهار لام تعریف

۲- ادغام لام تعریف

قاعده ۳۳ = برای مشخّص کردن یک شَیْءِ مخصوص در اوّل آن الف و لام آورده می‌شود مثل کِتَابٌ شامل هرکتاب می‌شود اما اَلْکتاب به معنی کتاب مخصوص است این را لام تعریف می‌گویند.

قاعده ۳۴ - اظهار لام تعریف

هرگاه بعد از لام تعریف یکی از حروف قمری بیاید لام تعریف با اظهار خوانده می‌شود .

تذکر

حروف قمری چهارده تا هستند که در این مجموعه خلاصه شده‌اند (إبغِ ، حَجَّكَ ، و ، خَفْ ، عقیمه)

الف ، ب ، غ ، ح ، ج ، ك ، و ، خ ، ف ، ع ، ق ، ی ، م ، ه ،

مثال حروف قمری :

اَلْآنَ ، اَلْبَاب ، اَلْغَیْب ، اَلْحَمْدُ ، اَلْجِنّ ، اَلْكِتَاب ، اَلْوَیْل ، اَلْخَوْف ، اَلْعِلْم ، اَلْقَوْم ، اَلْیَوم ، اَلْمَالُ ، اَلْهُدٰی

قاعده ۳۵ - ادغام حروف شمسی

تذکر

حروف شمسی هم چهارده تا هستند . غیر از حروف قمری بقیه حروف شمسی هستند و عبارتند از :

ت ، ث ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ل ، ن

مثال حروف شمسی

اَلتَّوْبَه ، اَلثَّائِبْ ، اَلدِّیْن ، اَلذِّكر ، اَلرَّحِیْم ، اَلزُّجَاجَه ، اَلسَّبِیْل ، اَلشَّر ، اَلصَّوْم ، اَلضَّلاله ، اَلطَّارِق ، اَلظُّلم ، اَلَّیْل

این قاعده مخصوص لام تعریف است و در جای دیگری اجرا نمی‌شود.

پرسشهای درس نهم

۱- هرگاه دو حرف ساکن در کنار همدیگر قرار بگیرد حرف ساکن اول را چه حرکتی می‌دهند؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۲- اگر دو حرف ساکن در کنار همدیگر قرار بگیرند و ساکن اول میم جمع باشد آن را چه حرکتی می‌دهند؟با ذکر مثال توضیح دهید؟

۳- اگر دو حرف ساکن در کنار همدیگر قرار بگیرند و ساکن اول میم جمع نباشد آن را چه حرکتی می‌دهند؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۴- تنوین در حالت وصل با ساکن دوم چه حرکتی می‌گیرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۵- لام جلاله را تعریف کنید؟ ونیزتوضیح دهید در چه صورتی باریک یا، پُر خوانده می‌شود؟

۶- معنی تفخیم و ترقیق را با ذکر مثال بنویسید؟

۷- لام تعریف یعنی چه ؟ و حروف قمری و حروف شمسی را نام ببرید؟

۸- لام تعریف در چه صورتی با اظهار خوانده می‌شوند؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۹- لام تعریف در چه صورتی با ادغام خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۱۰- سوره بروج ، انشقاق و مطففین را تلاوت کرده و قواعد لام جلاله و قواعد حروف شمسی و حروف قمری را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

درس دهم قواعد (ر)

قاعده ۳۶ = هر گاه حرف ر فتحه یا ضمه داشته باشد پُر خوانده می‌شود مثل رَبَّكَ ، رُبَمَا و اگر (ر) حرکت کسره داشته باشد باریک خوانده میشود مثل رِجال

(ر) مشدد هم همین حکم را دارد اگر فتحه یا ضمه داشته باشد پُر خوانده می‌شود مثل اَسَرَّ ، اَلرَّحْمٰن واگر (ر) مشدد کسره داشته باشد باریک خوانده می‌شود مثل اَلرِّجال

قاعده ۳۷ = اگر حرف (ر) ساکن باشد به حرکت حرف ما قبل آن باید نگاه کنیم اگر فتحه یا ضمه باشد (ر) پُر خوانده می‌شود مثل بَرْقٌ ، يُرْزَقُونَ و اگر حرف ما قبل آن کسره داشته باشد (ر) باریک خوانده می‌شود مثل اَنْذِرْ

قاعده ۳۸ = هر گاه حرف (ر) ساکن باشد و حرف ما قبل آن هم ساکن باشد به حرف ما قبل آن ساکن نگاه کنیم اگر آن حرف حرکت فتحه یا ضمه داشته باشد (ر) پُر خوانده می‌شود مثل لَيْلَةُ الْقَدْرْ،بِكُمُ الْعُسْرْ ، و اگر حرف ما قبل ما قبل آن کسره داشته باشد (ر) باریک خوانده می‌شود مثل ذِيالذِّكْرْ

قاعده ۳۹ = اگر حرف (ر) ساکن باشد و حرف ما قبل آن حرکت کسره داشته باشد در صورت موجود بودن سه شرط اگر چه ما قبل (ر) کسره باشد (ر) پُر خوانده می‌شود

شرط اول :

اگر (ر) ساکن باشد و حرف ما قبل آن حرکت کسره عارضی نباشد اگر باشد (ر) پُرخوانده می‌شود.

مثل اِرْجِعِیْ که قبل از (ر) کسره عارضی است از این جهت (ر) پُر خوانده می‌شود.

شرط دوم:

اینکه کسره و حرف (ر) در یک کلمه باشند اگر کسره و (ر) در دو کلمه جداگانه باشند (ر) پُر خوانده می‌شود مثل: رِبِّ ارْجِعُوْن

شرط سوم:

اینکه حرف (ر) و حروف مستعلیه در یک کلمه نباشند اگر حرف (ر)وحروف مستعلیه در یک کلمه باشند (ر) پُر خوانده می‌شود مثل لَبِالْمِرْصَاد که در این مثال بعد از حرف (ر) حرف (ص) که یکی از حروف مستعلیه است قرار دارد و هر دو در یک کلمه هستند و حرف (ر) پُرخوانده می‌شود.

تذکر

حروف مستعلیه هفت تا هستند (خُصَّ، ضَغْطٍ، قظ) خ، ص، ض، غ، ط، ق، ظ

تذکر =اگر (ر) و حروف مستعلیه در دو کلمه جداگانه باشند (ر) باریک خوانده می‌شود مثل اَنذِرْقَوْمَكَ

قاعده ۴۰ = اگر حرف (ر) ساکن باشد و حرف ما قبل آن (ی) ساکن باشد در هر حال (ر) باریک خوانده می‌شود یعنی اگر ما قبل (ی) فتحه یا کسره، باشد (ر) باریک خوانده می‌شود مثل خَیْرْ،خَبِیْرْ، قَدِیْرْ، بَصِیْرْ

قاعده ۴۱ - إماله

اماله ، به معنی میلان شدن است و اماله در کلمه مَجْرِیها بکار می‌رود که حرکت ر کسره تصور می‌شود و این (ر) باریک خوانده می‌شود.

پرسشهای درس دهم :

۱- اگرحرف (ر) فتحه یاکسره یاضمه داشته باشد چگونه خوانده‌می‌شود؟ باذکرمثال بنویسید؟

۲- اگر حرف (ر) ساکن باشد چگونه خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

۳- اگر حرف (ر) ساکن باشد و حرف ما قبل آن هم ساکن باشد چگونه خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۴- در چند صورت اگر (ر) ساکن باشد و ماقبل آن کسره باشد (ر) پُر خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال توضیخ دهید؟

۵- حروف مستعلیه را نام ببرید؟

۶- اگر حرف (ر) ساکن باشد و ما قبل آن (ی) ساکن باشد (ر) چگونه خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۷- اماله یعنی چه ؟

۸- سوره عبس و نازعات را تلاوت کرده و قواعد (ر) را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

درس یازدهم قواعد وقف :

۱- تعریف وقف

۲- انواع وقف

قاعده ۴۲ = تعریف وقف

وقف ، به معنی قطع کردن صدا و قطع کردن نفس در آخر کلمات است .

وقف بر چهار نوع است :

۱- وقف بِالْإِبْدال

۲- وقف بِالإِسکان

۳- وقف بِالْإِشمام

۴- وقف بِالرَّوْم

وقف إبدال :

وقف ابدال ، به معنی تبدیل کردن حرف آخر کلمه به حرف دیگر در هنگام وقف است مثل تبدیل کردن تای گرد (ة) که در حالت وقف به (ه) تبدیل می‌شود مانند رَحْمَةٌ که در حالت وقف رَحْمَهْ خوانده می‌شود.مَتْرَبَةٍ در حالت وقف مَتْرَبَهْ خوانده می‌شود.

تذکر

تنوین فتحه در حالت وقف به الف تبدیل می‌شود مثل ضَبْحاً در حالت وقف ضَبْحا خوانده

می‌شود، قَدَحاً در حالت وقف قَدَحا خوانده می‌شود. همچنان اگر بر روی همزه تنوین فتحه (ءً) باشد به الف تبدیل می‌شود مثل بِنَآءً که در حالت وقف بِنَآءَا خوانده می‌شود.

وقف بِالْاِسکان :

وقف بِالْاِسکان ، به معنی وقف کردن برروی کلمه‌ای که اگر حرکت داشته باشد حرکت آن هنگام وقف می‌افتد و آن حرف کاملاً ساکن می‌شود مثل وَقَبَ در حالت وقف وَقَبْ خوانده می‌شود، غَفُوْرٌ در حالت وقف غَفُوْرْ خوانده می‌شود، مَشِيْدٍ در حالت وقف مَشِيْدْ خوانده می‌شود.

وقف بِالْاِشمام :

وقف بِالْاِشمام ، به معنی این است که هنگام وقف کردن بر حرف وقف شده بعد از ساکن کردن آن لبها را جمع کند و این وقف مخصوص ضمه است مثل نَسْتَعِيْنُ

وقف بِالرَّوْم :

وقف بِالرَّوْم ، یعنی به هنگام وقف کردن حرکت وقف شده را کمی ظاهر کنیم و این وقف مخصوص کسره و ضمه است مثل يَوْمِ الدِّيْنِ ، نَسْتَعِيْنُ

پرسشهای درس یازدهم

۱- وقف را تعریف کنید؟

۲- وقف بر چند نوع است نام ببرید؟

۳- وقف اِبدال را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۴- تنوین فتحه در حالت وقف چگونه خوانده می‌شود؟ باذکر مثال بنویسید؟

۵- وقف بِالْاِسکان را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۶- وقف بِالْاِشمام را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۷- وقف بِالرَّوْم را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۸- روش صحیح وقف کردن چگونه است ؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۹- سوره فجر و سوره غاشیه را تلاوت کرده و وقف ابدال ، وقف بِالإسکان را در آنها مشخص کنید؟ و در دفترتان بنویسید؟

۱۰- سوره تکویر و سوره نبا را تلاوت کرده و وقف بِالاشمام ، وقف بِالرَّوم را در آنها مشخص کنید، ودر دفترتان بنویسید؟

درس دوازدهم علائم وقف :

کسی که معنی قرآن مجید را یاد نداشته باشد بر علائمی که در قرآن نوشته شده است وقف کند و اگر به علّت قطع شدن نفس تا آن علائم نرسید از کلمه قبل شروع به خواندن کند.

قاعده ۴۳ = علائمی که برآنها وقف کردن جائز یا ناجائز باشد عبارتند از :

○ = این علامت آیه است یعنی آیه تمام شده و بهتر است که در چنین جایی وقف کنیم از اینکه در وسط آیه وقف شود.

م = این علامت وقف لازم است هرگاه به این علامت رسیدیم وقف کنیم و اگر وقف نکنیم در بعضی موارد در معنی آن خَلل ایجاد می‌شود و معنی آن تغییر می‌کند.

ط = این علامت وقف مطلق است و به معنی تمام شدن مطلب است و وقف کردن براین علامت خوب است.

ج = این علامت وقف جائز است یعنی وقف کردن و وصل کردن هر دو جائز هستند.

ز = این علامت وقف مُجَوَّز است هر گاه به این علامت رسیدیم وصل کردن بهتر است اما وقف کردن هم اشکالی ندارد.

ص = این علامت وقف مرخص است و جایی که آیه طولانی باشد و نفس به خوبی به آخر آیه نرسد آنگاه می‌توانیم براین علامت وقف کنیم.

لا = این علامت وقف کردن ممنوع است هنگامی که به این علامت رسیدیم وقف نکنیم و

اگر برروی آیه این علامت بود به این معنی است آیه با آیه بعد معنی آن تکمیل می‌شود.

صلی = این علامت به معنی وصل کردن بهتر است هنگامی که به این علامت رسیدیم با قسمت بعد وصل کنیم.

ق = این علامت به این معنی است که گفته شده است وقف کنید یعنی بعضی از قاریان گفته اند براین علامت وقف کنید و بعضی گفته اند وقف نکنید.

صل = این علامت به معنی وصل کردن است هنگامی که به این علامت رسیدیم با قسمت بعد وصل کنیم.

قف = این علامت به معنی توقف است که به این علامت رسیدیم وقف کنیم.

س ، سکته = این علامت به معنی قطع شدن صدا بدون قطع نفس است .هنگامی که به این علامت رسیدیم صدا را قطع و نفس را در حالت جاری شدن قرار دهیم.

ك = این علامت به معنی كذٰلك (همچنان که) علامت قبلی است در این جاهم همانطور است.

وقفه = این علامت هم به معنی سکته است اما این فرق را با علامت سکته دارد که در اینجا صداکمی قطع می‌شود و مثل سکته کاملاً صدا قطع نمی‌شود. مثل وَاعْفُ عَنَّا وقفه وَاغْفِرْلَنَا وقفه

وقف معانقه = این علامت وقف به سه صورت علامت گذاری شده است (معانقه ، مع ،) و در مواردی دریک آیه دو بار ذکر شده است و به این معنی است که اگر بر قسمت اوّل وقف کنیم بر قسمت دوم نباید وقف کنیم مثل ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَارَيْبَ ∴ ، فِيْهِ ∴

پرسشهای درس دوازدهم

۱- روش صحیح وقف کردن را با ذکر مثال بنویسید؟

۲- معنی علامتهای زیر را بنویسید؟

○، م، ط، ج، ز، س

۳- با استفاده از درس دوازدهم تفاوت هر دو علامت زیر را بگویید؟

(ج، ز)، (ط، م)، (○، ص)، (لا، ق)

۴- معنی علامتهای زیر را بنویسید؟

صلی، صل، ق، س، ك، قف

۵- تفاوت علامت سکته با علامت وقفه چیست؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۶- وقف معانقه را با ذکر مثال تعریف کنید.

۷- علامتهایی راکه وقف کردن بر آنها جائز است نام ببرید؟

۸- با استفاده از درس (۱۱) و (۱۲) وقف کردن بر کدامیک از علائم زیر بهتر است؟

○، ط   ز، ج   لا، قف   م، ق

۹- اگر در جایی دو یا سه علامت وقف باشد کدام علامت ترجیح دارد؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۱۰. سوره انفطار، انشقاق را تلاوت کرده و علائم وقف را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

درس سیزدهم فوائد ضروری :

قاعده ۴۴ = حرکت فتحه باید طوری خوانده شود که از آن الف پیدا نشود مثل خَلَقْ که اگر فتحه خَ کشیده شود خَالَق خوانده می‌شود و حرکت کسره باید طوری خوانده شود که از آن (ی) پیدا نشود مثل بِهِمْ که اگر کسره بِ کشیده شود بِیهِمْ خوانده می‌شود و حرکت ضمه هم باید طوری خوانده شود که از آن (و) پیدا نشود مثل اُلٰئِكَ که اگر ضمه کشیده شود اُوْلٰـئِكَ خوانده می‌شود.

قاعده ۴۵ = هرگاه بر حرف (و) و حرف (ی) تشدید باشد باید با سختی و شدّت خوانده شود تا اینکه تشدید باقی بماند که در حالت وقف هم تشدید باید خوب مشخص شود مثل عَدُوٌّ ، عَلیَ النَّبِیّْ

قاعده ۴۶ = در قرآن مجید در چهار جابرروی حرف (ص) حرف (س) کوچک گذاشته شده است که در دو جا (ص) را (س) می‌خوانند که آن دو جا عبارتند از :

۱- در سوره بقره در کلمه یَبْصُطُ ۲- در سوره اعراف در کلمه بَصْطَه

که در این دوجا (س) خوانده می‌شود و در دو جا (ص) خوانده می‌شود

۱- در سوره طور در کلمه اَلْمُصَیْطِرُوْن قاری اختیار دارد که صاد بخواند یا سین

۲- در سوره غاشیه در کلمه بِمُصَیْطِرْ که در این جا با (ص) می‌خوانند.

قاعده ۴۷ = در قرآن مجید در چند جا برروی کلماتی (الف) نوشته شده است اما

خوانده نمی‌شود و در چاپ بعضی از قرآن‌ها آن (الف) که خوانده نمی‌شود بر روی آن یک دایره (ه) کوچکی گذاشته شده است و بعضی از آنها عبارتند از:

۱- در سوره آل عمران در کلمه لَاْ اِلَى اللّٰه که لَاِلَى اللّٰه خوانده می‌شود.

۲- در سوره توبه در کلمه وَلَاْاَوْضَعُوْا که وَلَاَوْضَعُوْا خوانده می‌شود.

۳- در سوره نمل در کلمه اَوْلَاْ اَذْبَحَنَّه که اَوْلَاَذْبَحَنَّه خوانده می‌شود.

۴- در سوره صفّت در کلمه لَاْاِلَى الْجَحِيْم که لَاِلَى الْجَحِيْم خوانده می‌شود.

۵- در سوره حشر در کلمه لَاْاَنْتُمْ که لَاَنْتُمْ خوانده می‌شود.

۶- در سوره آل عمران در کلمه اَفَاْئِنْ که اَفَئِنْ خوانده می‌شود.

۷- کلمه مَلَاْئِه در چند جا، که مَلَئِه خوانده می‌شود.

۸- در سوره کهف در کلمه لِشَاْیءٍ که لِشَیْءٍ خوانده می‌شود.

۹- در سوره دهر در کلمه سَلٰسِلَاْ که سَلٰسِلَ خوانده می‌شود.

۱۰- در سوره دهر در کلمه قَوَا رِيْرَاْ که قَوَارِيْرَ خوانده می‌شود.

تذکر

در کلمه سَلٰسِلَاْ در حالت وقف سَلٰسِلا خوانده می‌شود. اما در حالت وصل هر دو صورت درست است با الف یا بلا الف یعنی سَلٰسِلْ را یا سلسِلا یا سَلٰسِلَ خوانده شود و کلمه قَوَارِيْرَاْ در سوره دهر دو جا که در اولی در حالت وقف برآن قَوَارِيْرَا خوانده می‌شود و در دومی در حالت وصل و وقف قَوَارِيْرَ خوانده می‌شود.

پرسشهای درس سیزدهم

۱- حرکت فتحه چگونه باید خوانده شود و چه مواردی را در آن باید دقت کنیم؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۲- حرکت کسره چگونه باید خوانده شود وچه مواردی رادرآن باید دقت کنیم؟باذکرمثال توضیح دهید؟

۳- حرکت ضمه چگونه باید خوانده شود و چه مواردی را در آن باید دقت کنیم؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۴- اگر (واو) و حرف (ی) مشدد باشند در حالت وقف چگونه خوانده می‌شود؟ باذکر مثال بنویسید؟

۵- در قرآن مجید در چند جا حرف (ص) را (س) می‌خوانند؟با ذکر مثال بنویسید؟

۶- در کلمه اَلْمُصَیْطِرون حرف (ص) این کلمه چگونه خوانده می‌شود؟ توضیح دهید؟

۷- کلمه قَوَارِیْرَاْ در سوره دهر در حالت وصل و وقف چگونه خوانده می‌شود؟

۸- کلمه سَلٰسِلَاْ در سوره دهر در حالت وصل و وقف چگونه خوانده می‌شود؟

۹- طریقه خواندن صحیح کلمات زیر را بنویسید؟

اَفَاْئِنْ ، مَلَاْئِه ، لِشَاْیءٍ ، لَاَاَنْتُمْ

۱۰- طریقه خواندن کدامیک از کلمات زیر درست است؟

لَاْاِلَیَ اللهِ	لَاَلَی اللهِ
وَلَاْ اَوْضَعُوْا	وَلَاَوْ ضَعُوْا

درس چهاردهم قواعدهاء ضمیری :

قاعده ۴۸ : اگر قبل از هاءِ ضمیر ۱- حرکت کسره ۲- ی ساکن باشد آنگاه هاء ضمیر مکسور خوانده می‌شود مثل بِهٖ ، اِلَیْهِ که در مثال اول قبل از (ه) حرف ما قبل حرکت کسره دارد و در مثال دوم قبل از (ه) حرف ما قبل (ی ساکن است)

قاعده ۴۹ : در دو جا اگر چه قبل از هاءِ ضمیر (حرکت کسره ، ی ساکن) باشد هاء ضمیر مضموم خوانده می‌شود. اولی در سوره کهف در کلمه اَنْسٰنِیْهُ و دومی در سوره فتح در کلمه عَلَیْهُ اللّٰه

تذکر

در دو جا اگر چه قبل از هاء ضمیر حرکت کسره باشد هاء ضمیر ساکن خوانده می‌شود

۱- در سوره اعراف در کلمه اَرْجِهْ ۲- در سوره نمل در کلمه فَاَلْقِهْ

تذکر

اگر حرف قبل از هاء ضمیر حرکت کسره یای ساکن نباشد هاء ضمیر مضموم خوانده می‌شود مثل لَه ، رَسُوْلُه ، اَخَاهُ مِنْهُ ، رَاَیْتُمُوْهُ

قاعده ۵۰ : برای تلاوت کننده قرآن مجید دانستن چهار علم ضروری است

۱- دانستن علم تجوید یعنی شناختن مخارج و صفات حروف

۲- دانستن علم وقف که در چه جایی وقف کند و در چه جایی وقف نکند و یا اینکه چگونه

وقف کند.

۳- رسم الخط عثمانی که این از همه مهمتر است زیرا در بعضی جاها رسم برابر با تلفظ نیست و اگر مطابق با رسم الخط خوانده شود اشتباه می‌شود و حتی معنی تغییر می‌کند .

۴- دانستن علم قرائت که منظور همان قرائت سبعه است.

پرسشهای درس چهاردهم

۱- اگر قبل از هاء ضمیر حرکت کسره باشد هاء ضمیر چگونه خوانده می‌شود؟ باذکر مثال بنویسید؟

۲- اگر قبل از هاء ضمیر (ی ساکن) باشد هاء ضمیر چگونه خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۳- اگر قبل از هاء ضمیر حرکت کسره ، ی ساکن باشد در چند صورت هاء ضمیر مضموم خوانده می‌شود ؟ باذکر مثال بنویسید؟

۴- در چند صورت هاء ضمیر ساکن خوانده می‌شود؟

۵- اگر قبل از هاء ضمیر حرکت کسره ، ی ساکن نباشد هاء ضمیر چگونه خوانده می‌شود؟ با ذکر مثال بنویسید؟

۶- برای تلاوت کننده قرآن مجید دانستن چند علم ضروری است؟ نام ببرید؟

۷- سوره نازعات و سوره نبا را تلاوت کنید و هاء ضمیری را در آنها مشخص کنید و در دفترتان بنویسید؟

مآخذ کتاب

۱- کتاب جمال القرآن تألیف مولانا اشرف علی تهانوی .

۲- کتاب فوائد مکیه تألیف قاری عبدالرحمن مکّی .

۳- رساله خلاصة التجوید تألیف قاری محمد سلیم شه‌بخش .

۴- کتاب‌تجوید آسان تألیف قاری‌عبدالعزیز عبدالفتاح مدّرس دانشکده‌قرآن مدینه‌منوره.

۵- کتاب قواعد تجوید تألیف قاری عبدالعزیز عبدالفتاح مدّرس دانشکده قرآن دانشگاه مدینه منوره .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمْ

قَالَ رَسُوْلُ الله (ص): إِنَّ هٰذَ الْقُرْآن اُنْزِلَ عَلىٰ سَبْعَة اَحْرُفٍ فَاقْرَءُوْا مَاتَيَسَّرَمِنْهُ

(ابوداود صفحه ۴۳۶)

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: همانا این قرآن برهفت حرف (هفت روایت مختلف) نازل شده پس از آن بخوانید آنچه راکه برای شما میسّر است.

از حدیث فوق چنین برمی‌آید که قرآن بر هفت روایت مختلف تلاوت می‌گردد. که این قرائت را قرائت سبعه نام‌گزارده‌اند که متأسفانه امروزه به دست فراموشی سپرده می‌شود. واگر در مکانهایی قاری قرآن قرائت سبعه تلاوت کند وی را عاصی و گنهکار می‌دانند. و قرائتی که امروزه در اکثر کشورهای مسلمانان جهان تلاوت می‌گردد بروایت حفص از امام عاصم(رح) است و قرائت ما نیز چنین است.

ما مسلمانان کم‌کم این نعمت خدادادی را داشتیم از دست می‌دادیم امّا خداوند عزوجل برما منّت گذارد و بار دیگر بحمدالله در جامعه ما افرادی را برای تعلیم قرائت سبعه برگزید.

برای اولین بار از سال ۱۳۷۳ در حوزه علمیه فاروقیه زاهدان واقع در بلوار بعثت تعلیم قرائت سبعه شروع شد اوّلین کسانیکه از آموختن این قرائت استقبال کردند جمعی از علما و مدرسین حوزهای علمیه بودند.

همچنان استاد محترم قاری محمداسماعیل قنبرزهی امام جماعت و سرپرست مکتب ترتیل القرآن مسجد حیدرکرار ، واقع در بلوار جانبازان تعلیم قرائت سبعه را از سال ۱۳۷۴ شروع نموده‌اند شائقین و علاقمندان به قرائت که دوره تجوید و قرائت قرآن را به روایت حفص از امام عاصم رح سپری نموده‌اند در صدد آموختن قرائت سبعه باشند.